

تحریکات و توطئه‌های ضد انقلاب را باید پیدرنگ و قاطعانه افشا کرد

نیروی متحد خلق تنها وسیله سرکوب ضد انقلاب است

در صفحه ۲

قانون جدید مطبوعات توسط شورای انقلاب تصویب شد و انتشار یافت.

این قانون، که در ۴۱ ماده تهیه شده است، نسبت به «لایحه قانونی مطبوعات»، که در خرداد ماه امسال انتشار یافت و همچنین نسبت به «لایحه پیشنهادی قانون مطبوعات»، که در تیرماه منتشر شد، چندگام به جلو برداشته است. اما متأسفانه باید گفت، با وجود اصلاحاتی که در «لایحه پیشنهادی قانون مطبوعات» بعمل آمده و بهره‌ای از آنها هم اساسی است، هنوز نقائصی در قانون مطبوعات بچشم می‌آید که با وجود این نقائص، قانون مطبوعات نمیتواند بازتاب کامل روح انقلاب ملی و دمکراتیک ایران باشد.

آقای میناچی، وزیر ارشاد ملی، گفته است: «در مدتی که لایحه مطبوعات تحت بررسی بود، اعتراض‌های شدیدی به این لایحه شد و تک‌تک مواد و حتی خود لایحه را مردود دانستند، ولی عجب این بود که فقط اعتراض شد، ولی هیچ راه حلی ارائه نشد.»

این سخن با واقعیت تطبیق نمیکند. حزب توده ایران، طبق سیاست اصولی و پیکر «انتقادات سازنده» خود در مورد دولت، با هر دو متن ارائه شده درباره قانون مطبوعات، برخورد انتقادی سازنده کرد و این انتقادات، که با راه حل‌های اصولی همراه بود، در شماره‌های ۲۵ (دوشنبه ۲۱ خرداد) و ۴۰ (دوشنبه ۲۵ تیر) روزنامه مردم متعکس و خوشبختانه برخی از آنها (از جمله تبصره ۳ در ماده ۳) در قانون مطبوعات گنجانده شده است.

در ادامه همین مثنی، ما با ذکر اصلاحات مثبتی که در متن پیشنهادی بعمل آمده و بصورت قانون مطبوعات تصویب شده، نکات ضعف قانون مطبوعات را نیز یکبار دیگر یادآوری میکنیم و امیدواریم با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این نکات نیز براساس آن قانون تنبیه پیدا کند و قانون مطبوعات را بازتاب کامل روح انقلاب ایران سازد.

نکات مثبت

تبصره ۳ در ماده ۳ قانون مطبوعات شکل مثبتی بخود گرفته و به احزاب و جمعیتها اجازه انتشار نشریه داده است.

ماده ۱۹ قانون مطبوعات، که چنانچه ماده ۱۷ متن اصلاحی شده، جهت مثبت بخود گرفته و ضمن مقابله با خرابکاری از طریق مطبوعات، راه تفسیر و تعبیر را، که در ماده ۱۷ لایحه اصلاحی کاملاً باز بود، بسته است.

مواد ۲۰ و ۲۲ در قانون مطبوعات، که چنانچه مواد ۱۸-۱۹ و ۲۳ در لایحه اصلاحی شده‌اند، شکل مثبت‌تری دارند. در این مواد، مجازات‌های مخصوص به توهین و افترا به وزراء، رئیس جمهور، هیئت دادرسان و نمایندگان مجلس، که در عین قابل تفسیر بودن، در واقع راه را بهر انتقادی بر مقامات مملکتی میبستند، حذف شده‌اند. اما، در این مواد همچنان کلمه «اسانت»، که چنانچه توهین شده، در مورد رهبر انقلاب و مراجع مسلم تقلید، بکاررفته، که بازهم قابل تفسیر است و بهتر است ملاک غیرقابل تفسیری چنانچه آن گردد.

در صفحه ۴

دمکراسی

به چه معناست

● شیوه انتساب عقاید سستی به دیگران و سپس رد آن عقاید، شیوه‌ای است حداقل ناپسند

● بالاخره اداره کنندگان امور یکبار برای همیشه بدانند که حزب توده ایران در مهمترین مسائل روز چه میگوید؟
در صفحه ۴

در صفحات بعد:

● جنبش کشورهای غیرمتعهد عامل مؤثری است در مبارزه علیه امپریالیسم

(صفحه ۸ - ستون سوم)

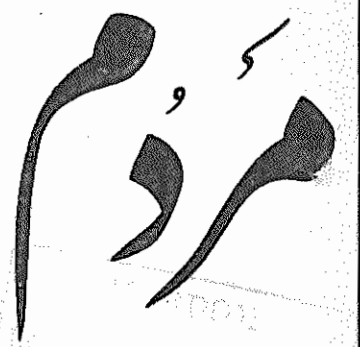
● ضدانقلاب با دریافت مدارک عضو می‌پذیرد!

(صفحه ۶ - ستون سوم)

● توان اقتصادی اتحاد شوروی و تبلیغات ضد شوروی امپریالیسم و ارتجاع جهانی

(صفحه ۴ - ستون سوم)

● در برقراری روابط دیپلماتیک با دولتهای ضد امپریالیستی نباید تأخیر شود
(صفحه ۸ - ستون اول)



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۳
پنجشنبه ۲۵ مرداد ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

تحریکات امپریالیسم امریکا در اقیانوس هند

این روزنامه می‌افزاید، «واشنگتن مشاهده میکند که ارسال مقادیر عظیمی سلاح برای رژیم‌های هوادار غرب و حضور مستشاران امریکائی، دیگر برای حفظ باصطلاح «منافع ملی» امریکا در اقیانوس هند کافی نیست و بنا بر این زمامداران واشنگتن تصمیم گرفته‌اند به دیپلماسی کشتی توپدار» و سیاست مداخله و ارتعاب بازگردند. امریکا در پاسخ ندای کشورهای ساحلی برای برچیده شدن پایگاه‌های نظامی خارجی و کاهش حضور نظامی در اقیانوس هند، قصد دارد فعالیت نظامی را در منطقه افزایش دهد.»

این روزنامه ادامه میدهد: «اجلاس نیویورک، آشکارا اختلاف میان برداشتهای اتحاد

بقیه در صفحه ۲

روزنامه «سوتیسکیا روسیا»

در تفسیری پیرامون نتایج کنفرانس اخیر کشورهای حوزه اقیانوس هند در نیویورک و تبدیل این اقیانوس به منطقه صلح مینویسد:

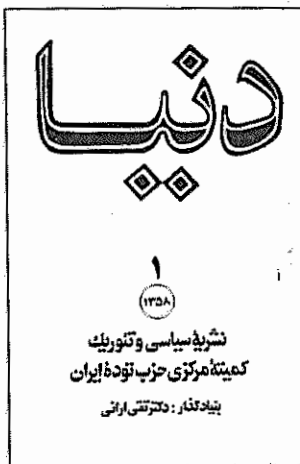
«تعمیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشورهای حوزه اقیانوس هند، دیگر گونهای عمیق اجتماعی در افغانستان و انقلاب ایران، احساسات ضد امریکائی افزاینده در مالک عرب، که بلافاصله بعد از معامله شرم‌آور کمپ دیوید مشاهده شد، در میان «بازهای» امریکائی، نوعی آشفتگی و سراسیمگی ایجاد کرده است.»

تجربه ۲۸ مرداد

تکوین مبارزه علیه شرکت امپریالیستی نفت انگلیس

در صفحه ۷

بزودی منتشر میشود



نشریه سیاسی و تئوریک
کمیته مرکزی حزب توده ایران
بیتدفکر: دفتر نشریاتی

از: احسان طبری

درباره

ملت

و مسئله

ملی

در صفحه ۳

زحمتکشان خانه می‌خواهند

آیت‌الله سیدهادی خسروشاهی، رئیس هیئت امنای بنیاد مسکن، در یک مصاحبه رادیو تلویزیونی، انگشت‌روی یکی از مبرم‌ترین وظایف دولت گذاشت. این وظیفه تامین مسکن برای صد هাজার مستاجر مستضعف ایران است که در شهرهای بزرگ ایران، و از جمله تهران، در بدترین شرایط، سهم عمده‌ای از درآمد ناچیز خود را باید اجاره مسکن بدهند، مسکنی که از حداقل امکانات برخوردار است.

مردم ایران، و مخصوصاً تهران، هنوز خاطره فراموش نشدنی یورش زحمتکشان بی‌مسکن تهران به جمناق‌داران و قداره‌بندان رژیم شاهنشاهی را در خارج از محدوده تهران، برای جلوگیری از هجوم آنها جهت تخریب سرپناشان فراموش نکرده‌اند. نخستین جرعه‌های انقلاب پیروزمند ایران از همین یورش و مقاومت مردانه برخاست. همین جرعه‌ها به حریق تبدیل شد و حالا پس از دردم پیچیده شدن طومار رژیم پهلوی زحمتکشان خواهان حل فوری مساله مسکن هستند.

آیت‌الله خسروشاهی باین مساله در مصاحبه خود پرداخت و گفت:

«برای ما از جهت این که مالکیت در اسلام محترم است، جای حرفی نیست، ولی از آن طرف هم اجحاف و تجاوز نواندیده گرفتن حال مستضعفین هم در اسلام جایز نیست. ما اگر بخواهیم این دو مساله مورد توجه دین اسلام را در نظر بگیریم باید بگوئیم که هم باید به مستضعفین بهر نحوی خانه بدهیم و هم مالکیت مالکهارا محترم بشماریم و لذا روی این اصل، آمار که گرفتیم، ابلاغ خواهیم کرد، اشخاصی که خانه دارند و میخواهند بفروشند به ما بفروشند و یا میخواهند اجاره دهند، بیا بدهند. بنیاد مسکن، یک بانک مسکن تأسیس می‌کند تا قانون مالک و مستاجر هم از بین برود. جنک و جدالها هم از بین برود. بنیاد خانه‌های خالی را اجاره میکند و به مستضعفین بقدر توانائی آنها اجاره میدهد. اگر دیدیم مالک به هیچکدام از اینها راضی نشد، در قانون اسلام از اجحاف جلوگیری شده است. مادستور خواهیم داد بهر نحوی است آن خانه‌هایی که مالکین نظر اجحاف دارند و بهیچوجه بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه ۱

قانون جدید مطبوعات

نکات ضعف

تیسره ۱۶ از ماه ۳، همچنان اعلام نوع نشریه و مواضع سیاسی و اصول فکری و اعتقادی نشریات را در تقاضای پروانه ضروری دانسته، که این خود، همچنان که قبلاً نوشته ایم، نوعی تفتیش عقاید است.

در ماده ۴، به کمیسیون بررسی صدور پروانه فقط حق مشورتی داده شد و تصمیم نهائی به وزیر ارشاد ملی، یعنی دولت واگذار شده است.

هر دولتی میتواند با استفاده از این ماده از دادن امتیاز بمطبوعات که نمی‌پسندد، خودداری کند. این ماده در عین حال به تبصره ۱۶ از ماده ۳ هم ارتباط دارد، که در آن موضوع سیاسی نشریه خواسته شده و در ماده بعدی تصمیم گیری درباره دادن امتیاز به نشریه ای که دارای آن موضوع سیاسی است، به دولت سپرده شده است. در ماده ۵ از مدبر و سردبیر نشریه صلاحیت علمی و حرفه ای خواسته شده و همچنین معرفی مدبر و سردبیر به وزارت ارشاد ملی برای تشخیص صلاحیت آنها. این هر دو مورد، راه رابر نظارت دولت بر مطبوعات و حتی اعمال نظر در انتخاب مسئولان آنها باز میگذارد.

در ماده ۱۲ خواسته شده که روش نشریه (دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، ادبی و هنری) در صفحه معین و محل ثابت اعلام شود. چایخانه‌ها نیز مکلف به رعایت این ماده شده‌اند. علاوه بر اینکه این تقسیم بندی درست نیست، روشن هم نشده که اگر نشریه ای روش خود را مثلاً سیاسی اعلام کرد، آنوقت حق دارد درباره اقتصاد مطلب بنویسد یا نه و اگر جواب مثبت است، تقسیم بندی بالا لازم نیست و اگر منفی است، چگونه میتوان از سیاست سخن گفت و از مسائل اقتصادی. که پایه سیاست است حرفی به میان نیاورد؟

گذشته از همه اینها، این ماده، در بطن خود، نوعی اعمال سانسور را بر مطبوعات مجاز میدارد. تبصره ۳ از ماده ۱۰، که مربوط به انتقال امتیاز نشریه پس از فوت صاحب آن است، چون موکول به موافقت وزارت ارشاد شده، راه را برای اعمال نفوذ و احتمالاً اعمال غرض باز گذاشته است.

بقیه از صفحه ۱

تحریرات امپریالیسم...

شوروی و آمریکا را در مورد مسائل مربوط به اقیانوس هند نشان داد. اتحاد شوروی، برخلاف آمریکا، از تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح و برچیدن همه پایگاههای خارجی در این ناحیه حمایت کرد. اتحاد شوروی، از این گذشته، پیشنهاد کرد که بتوان نخستین گام در راه اجرای اندیشه ایجاد منطقه صلح در اقیانوس هند، سلاحهای هسته ای از این منطقه بیرون برده شود. اما آمریکا از پذیرفتن این پیشنهاد سر باز زد و پاره ای از محافل امریکائی، با توجه به بحران انرژی که بطور مصنوعی بوسیله انحصارهای نفتی غرب ایجاد شده، اکنون درباره لزوم «درس دادن» به کشورهای عربی، که گویا میخواهند از نفت بعنوان سلاحی علیه آمریکا استفاده کنند، سخن میگویند. ۴۴ کشور آسیائی و افریقائی منطقه اقیانوس هند، که در اجلاس نیویورک شرکت کردند، اکنون بخوبی میدانند که چه کسی مانع تخفیف تشنج در این منطقه است.

بقیه از صفحه ۱

زحمتکشان خانه

نمیخواهند حال مستضعفین را رعایت کنند. ولوبه قوه قهریه ضبط شود، اجاره معین کنند و بفروشند. قیمتش را معین کنند. مثل پارچه و... خانه هم در اسلام در ردیف اینهاست. اگر ما دیدیم يك کسی با این خانه‌هایی که مورد لزوم عامه مردم و ملت ایران است، اجحاف می‌کند و نه میخواهد اجاره دهد و نه بفروشد، مادستور خواهیم داد اینها را توقیف کنند و روی آن قیمت عادلانه بگذارند.

این نه در منطق عدل و نه در منطق شرع نمی‌آید که يك کسی چندین خانه را قفل بزند و خالی بگذارد و مردم بیچاره به چه زحمت اجاره بدهند و یا خانه نداشته باشند.

درباره همین مسأله رادیو تلویزیونی که هیلوئها ایرانی شاهد آن بودند و تصمیمات انقلابی در زمینه حل مسأله مسکن در ایران انقلابی امیدوار شدند، مهندس کتیرائی، وزیر مسکن و شهرسازی، ضمن تکذیب تصمیمی انقلابی (آنچه از سوی آیت‌اله خسرو شاهی عنوان شد) کار را در دست انداز طرح و قانون و تصویب آن در مجلس و... انداخت و یکبار دیگر، پس از شش ماه که از انقلاب می‌گذرد، یکی از مهمترین مسائل روز زحمتکشان را که با آن در نبرد جنگ و دندان مستعد پشت گوش انداخت.

آنها که انقلاب کردند و رژیم سرپا ظلم و فساد شاهنشاهی را سرنگون کردند، سیاست پشت گوش انداختن را تحمل نخواهند کرد.

سیل مهاجرت چینی‌ها به هنگ کنگ

روزنامه این ویستی خبر داده که سیل آوارگان از چین بسوی هنگ کنگ، بگونه ای چشمگیر، افزایش یافته است. تنها در سال جاری، سربازان انگلیسی حدود چهار و شش هزار آواره را بخاک چین بازگردانده‌اند. انگلستان برای مقابله با سیل آوارگان چینی، نهصد سرباز دیگر به هنگ کنگ گسیل میدارد. این ویستی نوشته است که دلیل اصلی مهاجرت، سرخوردگی جوانان چینی از اوضاع داخلی کشور است.

بقیه از صفحه ۱

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

هموطنان!

میهن ما لحظات بسیار حساس و دشوار و بفرنجی را میگذراند. از یکسو بهمت انقلابی مردم ایران و قاطعیت رهبری انقلاب، انقلاب بسوی تثبیت پیش‌می‌رود. و این ضدانقلاب را بیش از پیش نگران میکند. از سوی دیگر در تصمیمات و اقدامات ارگانهای مختلف حکومت عدم قاطعیت، اهمال و اغماض مشاهده میشود. و این به ضدانقلاب دل می‌دهد. این هر دو عامل موجب شده و میشود که ضدانقلاب فعالیت خود را در تمام زمینه‌ها، بویژه در جهت ایجاد افتراق بین نیروهای انقلابی، گسترش دهد و تشدید کند.

هشدارهای مکرر حزب توده ایران در این زمینه، در روزهای اخیر بار دیگر اهمیت و صحت خود را بشبوت رسانده است. محافل ضدانقلابی انقلابی نما، چپ‌نما، کمونیست‌نما و آزادیخواه‌نما می‌کوشند تا بهر وسیله ممکن خود را به نیروهای راستین انقلابی بچسباند و آنها را زیر ضرب قرار دهند. نیروهای مجهول الهویه ای هم - که بدون تردید بوسیله ضدانقلاب هدایت میشوند - کوشیده‌اند و می‌کوشند که اعمال این محافل را آگاهانه بحساب همه نیروهای راستین انقلابی، همه نیروهای اصل چپ، همه کمونیستهای واقعی و همه آزادیخواهان حقیقی بگذارند و همه را یکجا بکوبند.

انقلاب را بدنام کنند و از شدت نبرد آن علیه ضدانقلاب بکاهد، حوادث روزهای اخیر تأییدی است بر این مدعا.

با اینکه حزب توده ایران با صراحت و قاطعیت پاکسازی در مطبوعات را از عوامل ضدانقلاب بارها طلب کرده و توقیف آیدگان و جراید نظیر را در این چارچوب درست دانسته است، با اینکه عمده نیروهای راستین چپ - از حزب توده ایران تا سازمان چریکهای فدائی خلق - نه فقط در تظاهرات یکشنبه دعوت شده از جانب برخی گروهها، از جمله «جبهه دمکراتیک ملی»، برای «اعتراض» به توقیف روزنامه آیدگان، شرکت نداشته‌اند، ولی در حین و پس از تظاهرات و همچنین روز دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۵۸، افراد مجهول الهویه ای، که طبق شواهد مسلم از جانب عوامل ضدانقلاب و کارکنان «آزاد» ساواک از جمله «نیکزاد»، شکجه گم‌مرد، رهبری میشوند، این تظاهرات را بهانه قرار دادند و کوشیدند زیر شعارهای ضد چپ و ضد کمونیستی، همه نیروهای راستین انقلابی و چپ را مورد حمله قرار دهند. آنها در دانشگاه تهران نشریات مترقی و چپ را پاره کردند و سوزاندند، به افراد وابسته به چپ حمله کردند و وعده‌های را مضروب و مجروح ساختند، تلاش کردند که به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، حمله کنند که خوشبختانه بر اثر حفاظت پاسداران انقلاب موفق نشدند. بمرکز سازمان چریکهای فدائی خلق هجوم بردند و متأسفانه به اشغال این مرکز موفق شدند. و این تحریرات، هجوم‌ها و اقدامات ضد

بقیه از صفحه ۷

تکوین مبارزه علیه...

نمیشد قرارداد ۱۹۴۴ را ننیده گرفت. مجلس یازدهم ضمن رد قرارداد ایران و شوروی در مهرماه ۱۳۲۶ ماده‌ای هم در باره ضرورت استیفای حقوق ایران از نفت جنوب گنجانید. از اینزمان مبارزه مستقیم مردم ایران علیه شرکت نفت انگلیس آغاز شد و رفته رفته اوج گرفت تا به جنبش ملی شدن نفت رسید. ادامه دارد

۱- در آنسالها شرکت سابق نفت و عمال آن در دولت ایران با هزار وسیله می‌کوشند تا ثابت کنند که این اعتصاب را حزب توده

انقلابی و ضد دمکراتیک همچنان ادامه دارد، و با محیطی که ایجاد شده، اگر اقدام قاطع، جدی و فوری برای جلوگیری از این تحریکات و توطئه انجام نگیرد، امکان آن هست که این فعالیت ضد انقلابی ادامه یابد و تشدید شود.

از جانب دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تمام این حوادث بلافاصله بمقامات مسئول، دولت، کمیته مرکزی امام، کمیته‌های محلی، پاسداران اطلاع داده شده و خواسته شده است که اقدامات لازم، جدی و فوری برای جلوگیری از توسعه تحریکات و توطئه‌های ضد انقلاب، برای افشاء و سرکوب تحریکات و توطئه‌های ضد انقلاب، برای تأمین امنیت مراکز و افراد وابسته به احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی صورت گیرد.

با کمال تأسف، برخی از مقامات مسئول در قبال این حوادث ناگوار و خطرناک و در برابر هشدارها و خواستهای بجا و بحق حزب ما، نه فقط قاطعیت لازم را بخروج نمیدهند، نه فقط احتمال میکنند اغماض نشان میدهند، بلکه با گفتار و کردار خود در ایجاد ابهام در شناخت دوست و دشمن واقعی انقلاب، عملاً به ایجاد محیط آشفته و نا امن، به تشدید افتراق بین نیروهای انقلابی و سرانجام به ضد انقلاب کمک میکنند.

لازم به تأکید نیست که چنین روشی چه عواقب خطرناکی برای انقلاب و مجموعه جنبش انقلابی مردم ایران دارد. و مسئولیت چنین عواقبی مسلماً با کسانی است که چنین روشی را دنبال کرده‌اند و میکنند.

حزب توده ایران، بار دیگر، با احساس مسئولیت کامل در برابر مردم ایران، هشدار خود را در مورد فعالیت شدن یافته ضدانقلاب تکرار میکند و مصرانه می‌طلبد که مقامات مسئول به وظیفه خود در دفاع از انقلاب و مبارزه با ضدانقلاب عمل کنند، تحریکات و توطئه‌های ضدانقلاب را افشا و سرکوب کنند و تدابیر جدی و فوری برای امنیت مراکز و افراد وابسته به احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی اتخاذ نمایند. هموطنان! در این لحظات حساس که انتخابات مجلس خبرگان پایان رسیده و تصویب قانون اساسی برای تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب در دستور روز است، در زمانی که امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم با تمام قوا برای تحریک و توطئه در خلیج فارس و تمام منطقه در خاور میانه تلاش میکنند، حفظ هشاری انقلابی و جلوگیری از هرگونه تفرقه اهمیت حیاتی دارد.

حزب توده ایران اعتقاد راسخ دارد که با نیروی متحد خلق، با تقویت رهبری امام خمینی، میتوان ضدانقلاب را سرکوب کرده و راه پیشروی جنبش انقلابی مردم ایران را برای تثبیت یا تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب هموار ساخت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۳ مرداد ماه ۱۳۵۸

ایران سازمان داده و تشکیلات پنهانی حزب از سالها پیش در جنوب فعالیت میکردند. امروزه عمال همان انحصارات نفتی و مأمورین ساواک و عناصر فریب خورده می‌کوشند تا ثابت کنند که حزب توده در این اعتصاب کاری نکرده است. که خود موضوع بحث جداگانه‌ای است. ۲- از طرف حزب ایران جزو ای «برای آگاهی نسل جوان» تحت عنوان «تحلیلی از مبارزات ملت ایران بر رهبری دکتر مصدق» منتشر شده که همه حوادث گذشته را از دریچه امروز مینسکد. در مورد ماده مربوط به استیفای حقوق ایران از نفت در این کتاب ادعا شده است که گویا در مجلس چهاردهم و به همت مصدق دولت مکلف به استیفای حقوق ایران شد. در حالی که در طرح مصدق حتی کلمه‌ای در اینباره وجود نداشت.

مائوئیستهای سازمان انقلابی در امر خرابکاری در انقلاب

با ساواک رقابت میکنند

را متفرق کردم. اینها اصلاً از ما نیستند، اینها مائوئیستها و سازمان گروهک ضدانقلابی سازمان انقلابی در فعالیت انتخاباتی برای مجلس خبرگان با تمام قوا شرکت کردند و مانند ساواک گروههای سازمان یافته خود را به جستجوی پوسترها و اعلامیه‌های گروههای مترقی فرستادند و درباره کردن پوسترها از هیچ کوششی فروگذار نکردند. تفاوت اینها با ساواکیها تنها در این بود که ساواکیها از ترس مردم بسرعت می‌گریختند، ولی اینها از عمل ضد انقلابی خود دفاع میکردند. یکی از خبرنگاران «مردم» میتویسد: حدود ساعت ۳ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۰ مرداد ماه، جلوی در دانشگاه، واقع در خیابان ۱۶ آذر، ایستاده بودم که جوانی اعلامیه‌ای از سازمان انقلابی در مورد دکتر علی صادقی، عضو رهبری آن سازمان، برای مجلس بررسی نهائی بدستم داد. پس از نگاه کردن آنرا تا کردم و در جیبم گذاشتم. در همین موقع ۳ جوان دیگر سر رسیدند. یکی از آنها ناگهان خیزی از زمین برداشت و پوستر آصف رزمزیده را پاره کرد. من خیلی آرام نگاه کردم و بدنبال آنها روانه شدم، تا مچ دستش را موقع پاره کردن پوستر دیگر بگیرم. چند قدمی نرفته بودم که دیدم این سه جوان به سه دختر جوان دیگر، که اعلامیه‌های سازمان انقلابی را پخش میکردند، رسیدند و پس از چند لحظه، شخصی که بمن اعلامیه داده بود، به آنها ملحق شد و همگی خوش و بش می‌کردند. به جمع آنها داخل شدم و بسا صدای بلند گفتم، آقا، چرا پوستر رفیق آصف را پاره کردی؟ جوان گفت: «دلخواسته پاره کردیم»، چیه، چه می‌گویی؟ گفتم، اینکه در روزنامه مردم میتویسند مائوئیستها اعلامیه و پوسترهای حزب ما را پاره میکنند، این يك نمونه‌اش. وبعد اعلامیه آنها را از جیبم در آوردم و گفتم: من اعلامیه شما را نگاه داشتم، حتی دور نینداختم، و آنوقت شما پوسترهای حزب ما را پاره میکنید؟ خجالت بکشید!» جوانک، که حرفی برای زدن نداشت، راهش را کشید و رفت تا لایب پوسترهای دیگر را پاره کند»

درباره نقشی که گروهک ضد انقلابی سازمان انقلابی، در حوادث جاری کشور ما بازی میکند، در شماره‌های پیشین روزنامه «مردم» سخن گفته شده است و اکنون کمتر نیروی مترقی و صادقی را میتوان یافت که از وظیفه واقعی این گروهک ضد انقلابی با خبر نباشد و در اتحاد عملی آن با ضدانقلاب تردید داشته باشد.

مائوئیستهای سازمان انقلابی از ابتدای انقلاب تاکنون، تمامی فعالیت خود را بر ضد نیروهای مترقی جامعه متمرکز کرده‌اند. در تحریکات و تفرقه اندازها، همواره به عنوان مکمل نیروهای راست افراطی و قشری عمل کرده‌اند و در سازمان دادن هجوم به میتینگها و تظاهرات، دفاتر و کتابفروشیها نقش درجه اول داشته‌اند و در این عمل ضد انقلابی خود تا بجائی پیش رفتند که حتی گروههای قشری نیز به ماهیت آنان پی برده، ناراضیاتی خود را از همکاری با این عناصر پنهان نمیزانند. نمونه‌ی بارز این پدیده در میتینگ انتخاباتی حزب توده ایران در زمین چمن دانشگاه تهران اتفاق افتاد. یکی از برپاکنندگان تظاهرات گروههای قشری بر علیه حزب توده ایران، پس از مدتها بحث با رفقای ما و درک این واقعیت که حزب توده ایران برخلاف تبلیغات دهها ساله ارتجاع و نیز نیروهای سازشکار و ضد کمونیست، نه تنها مخالف انقلاب و رهبری ضد امپریالیستی آن نیست، بلکه صادقانه و با تمام قوا برای گسترش و توسعه انقلاب میکوشد، متقاعد میشود که از ایجاد درگیری و نیز اختلال در میتینگ و تظاهرات حزب توده ایران تنها ساواک و امپریالیسم بهره میگیرند. وی آنگاه میکوشد تا گروههای اختلالگر را، که در حاشیه میتینگ انتخاباتی بودند، متفرق سازد، ولی با کمال تعجب مشاهده میکند که هنوز گروههایی با همان شعارهای آشنا به فعالیت تحریک آمیز بر علیه حزب توده ایران ادامه میدهند. او با ناراضیاتی و خشم نزد رفقای ما آمده میگوید: «باور کنید، همانطور که شما قول داده بودم، دوستان خودم

درباره ملت و مسئله ملی

از: احسان طبری

مسئله بررسی و روشن ساختن قوانین رشد و تکامل قومی با به بیان دقیق تر آنتیک جامعه بشری یکی از مسائل مهمی است که تنها مارکسیسم - لنینیسم حق دارد مدعی حل علمی و عملی آن باشد. تحقیقات و تمییمات ایدئولوژیهای بورژوازی در این زمینه کم نیست، ولی این تمییمات سفسطه آمیز، بالاحتوی و نادرست است و هدف غائی آن توجیه باصطلاح علمی سیاست ستم ملی و نژادی است که بورژوازی در مقیاس کشور و جهان دنبال میکند وای چه بسا عوامل ذهنی مانند مذهب یا آگاهی ملی یا خصال باصطلاح ثابت ملی، معیار تشخیص ملتها قرار داده شده است.

مارکسیسم - لنینیسم معتقد است که جامعه بشری، در کنار رشد اجتماعی - اقتصادی (که بصورت تبادل فرماسیونها انجام میگیرد)، یک رشد و تکامل آنتیک را نیز میگذراند، که البته نسبت به رشد فرماسیونها دارای جنبه فرعی و تبعی است.

رشد و تکامل آنتیک جامعه یعنی چه؟ یعنی تکامل جامعه بشری از جهت بررسی اشکال گوناگون آن نوع تجمع انسانی که مبتنی بر یک سلسله وجوه اشتراک یا پدیدار است (مانند وجه اشتراک در سرزمین، زبان، فرهنگ، روحیات و اقتصاد). میگوئیم وجوه اشتراک یا پدیدار، زیرا اگر وجه اشتراکی ناپدیدار (مثلا در سرزمین) پدید شود، این بهیچوجه بحساب نمیآید و ای چه بسا اقوام مختلف که در دورانی گوناگون تاریخ در سرزمین مشترکی زیسته اند وای چه بسا ملتهای گوناگون که زبان واحدی دارند و غیره. در واقع از سر آغاز تاریخ ما با چنین تجمعیها، که نام علمی «اشتراک اجتماعی آنتیک» بدان داده شده است، روبرو هستیم. واژه آنتیک را در فارسی نمیتوان ترجمه کرد؛ مثلا، چنانکه گفتیم، میتوان آنرا قومی نامید، ولی این کلمه رسا نیست و تولید ابهام میکند و بناچار باید لفظ متداول اروپائی را بکار برد.

در جامعه کمون اولیه، اشکال عمده این تجمع آنتیک عبارتست از طوایف و قبایل، که با هم خویشاوندی و پیوند خونی داشته اند و در آخرین مراحل این جامعه، یعنی در پایان نظام دودمانی حتی اتحاد قبایل پدید آمده، که گاه بین آنها خویشاوندی و پیوند خونی نبوده است. خویشاوندی و پیوند خونی تنها برای مرحله معینی از تکامل آنتیک شاخص است.

در جوامع برده داری و سپس فئودالیسم، شکل اساسی این تجمع یا اشتراک آنتیک، قوم است که از قبایل و طوایف خویشاوند و ناخویشاوند پدید میآید.

طایفه، قبیله، اتحاد قبایل (که در یونان بدان «فتری» میگفتند) قوم و تجمع اقوام اشتراکهای آنتیک هستند که بین آنها سه وجه مشترک وجود دارد: اشتراک ارضی (یا سرزمین)، اشتراک زبانی و اشتراک فرهنگی و روحی. در اینجا هیچگونه سخنی هم از اشتراک نژادی نمیتواند در میان باشد. زیرا نژاد از جهت مارکسیستی یک مقوله بیولوژیک است، لذا از جهت علمی دارای معنای جداگانه است و ربطی به واحد آنتیک، که یک مقوله اجتماعی است، ندارد.

با درآمیختن و بهم پیوستن تدریجی بازارهای متفرق محلی بصورت بازار واحد و بزرگ ملی (که بویژه عامل عمده آن بازرگانان سرمایه دار هستند)، و با تبدیل تقسیم کار اجتماعی در مقیاس یک محل به تقسیم کار اجتماعی در مقیاس یک کشور (که در دوران تکامل سرمایه داری انجام میگیرد) اقوام و قبایل در این دیک عظیم اقتصادی میجویند و مجتمع آنتیک بزرگتری بنام ملت پدید میآید که دارای چهار وجه مشترک پدیدار است، یعنی زمین، زبان، فرهنگ و اقتصاد. بدین ترتیب، چنانکه مارکس و انگلس متذکر میگردیدند، سرمایه داری به تفرقه قومی خاتمه میدهد و اهالی را از نظر اقتصادی بهم پیوسته میسازد و تمرکز سیاسی ایجاد میکند و شرایط پیدایش و قوام ملتها را فراهم میکند.

مقصود ما از واژه قوم، تکامل یک ملت بر پایه چهار وجه اشتراک پدیدار است، که طبیعتاً مدت زمان معینی را در تاریخ اشغال میکند. لنین میگوید: «ملت محصول ناگزیر و شکل ناگزیر دوران بورژوازی تکامل اجتماعی است.» (کلیات، ج ۲۶، ص ۷۵). از آنجا که تکامل سرمایه داری در عرصه جهانی با ناموزونی و درازمنه مختلف انجام میگیرد، لذا تبدیل اقوام به ملتها در جهان همزمان نیست و از آن جمله در آسیا و آفریقا دیرتر از اروپا صورت میپذیرد، زیرا استعمار تا حدود زیاد تکامل عادی را در این نواحی ترمز کرده است. مارکسیسم - لنینیسم تبعیت پیدایش مقوله ملت از سرمایه داری را بعین نشان داده است و اینجاست که روشن میشود تکامل آنتیک جامعه تابعی است از تکامل اقتصادی - اجتماعی آن، نه برعکس.

برخی ایدئولوژیهای بورژوا، با مطلق کردن مقوله ملت و ادعای آنکه «اتا - ناسیون» (Etel - Nation) (یعنی ترکیب ارگانیک ملتها و کشورها) یک ترکیب ثابت مدنی و روحی است، میخوانند برعکس تکامل آنتیک را مایه تحولات تاریخ جلوه گر سازند، چیزی که بکلی خطاست.

در این مجتمع آنتیک تازه، که ملت نام دارد، وجوه اشتراک سه گانه قبلی نیز تغییر شکل مییابند. مثلا زبان واحد ملی پدید میآید و دیوار بین زبان محاوره (لفظ عام) و مکاتبه (لفظ قلم) شکسته می شود و فرقی بین لهجه ها و نیم زبانهای ولایات و زبان دیوانی مرسوم در پایتخت زوده میگردود و وحدت لغوی و دستوری زبان تعمیق مییابد.

یا مثلا آگاهی ملی، بمثابة بخشی از حیات و فرهنگ جامعه پدید میشود، که احساس و عواطف معینی را در بساطه ادراک شخصیت آنتیک و حقوق ملی و مبارزه برای رفع ستم ملی و غیره در بر میگیرد و نقش اجتماعی بسیار مهم و حساسی را ایفا میکند. یا مثلا وابستگی به سرزمین زاد و بومی، که در فئودالیسم وجود

داشت، به وابستگی به سرزمین و سیعتری، که وطن ملی است، بدل میگردد و غیره.

چنانکه لنین یاد آور میشود، در هر ملت بورژوا عملا دو ملت و همراه آن دو فرهنگ وجود دارد،

یکی متعلق به طبقات حاکمه و دیگری متعلق به طبقات محکوم است، زیرا اشتراک ملی موجب از بین رفتن تضاد طبقاتی نیست و این عامل دومی است که در تاریخ نقش تعیین کننده دارد. لذا دعوی ایدئولوژیهای رژیم پهلوی که میطلبیدند، مسائل باید در «سطح ملی» و در چارچوب «وحدت ملی» حل شود نه در سطح طبقاتی و در چارچوب مبارزه طبقاتی، دعوی بی پایه ایست. همین تقدم برخورد طبقاتی بر خورد ملی است که در خود مسئله ملی، از جهت اینکه در جهت منافع کدام طبقه مطرح است، موثر واقع میشود. همین تقدم برخورد طبقاتی بر برخورد ملی است که موجب میشود ما حل مشخص مسائل مربوط به مناسبات ملی را همیشه تابع منافع انقلابی طبقه پر لاریا میسازیم و به آن هرگز برخورد تجریدی نداریم و در اجراء شمار حق ملتها در تعیین سرنوشت خود تا حد جدائی نیز برخورد ما طبقاتی است.

«شناختن بلا شرط مبارزه در راه حق تعیین سرنوشت، بهیچوجه مارا ملزم نمیکند که هر گونه مطالبه حق تعیین سرنوشت ملی را تأیید کنیم.» (کلیات، جلد ۵، صفحه ۳۳۷)

و نیز: «منافع سوسیالیسم بالاتر از منافع حق ملتها در تعیین سرنوشت است.» (جلد ۲۳ ص ۱۹۸)

مقوله آنتیک «ملت»، حتی در سوسیالیسم و کمونیسم، منتها با محتوی بکلی نو و با همگونی به مراتب قویتر اجزاء خود، باقی میماند. تنها با محور سرمایه داری و پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم در مقیاس جهانی و پس از پیدایش اقتصاد واحد جهانی و محور مرزها و حرکت آزادانه ملتها در عرصه جهان و درآمیختگی آنها و پیدایش زبان واحد جهانی، مقوله ملت نیز بتدریج محو میشود و مقسوله «بین الملل بشری»، بمثابة واحد نوین آنتیک، جای آنرا میگیرد، که این خود منظره ایست از جهت تاریخی بسیار دور.

لنین می گوید: «همانطور که بشر تنها از طریق دوران گذار دیکتاتوری طبقات ستمدیده می تواند به نحو طبقات برسد، تنها از طریق دوران گذار آزادی کامل همه ملتها ستمدیده، یعنی آزادی آنها برای جدا شدن می تواند به درآمیختگی ناگزیر مسلسل در واحد بشری نائل آید.» (جلد ۲۷، صفحه ۲۵۶)

در سرمایه داری از جهت مسئله ملی دو گرایش پدید میشود: ۱- گرایش بیداری ملی و تشکیل ملتهای جداگانه و دولتهای جدید. این گرایش بویژه در آغاز سرمایه داری غلبه دارد و انبوهه های ناپایدار قومی قرون وسطائی را درهم میکشد و واحدهای نوین ملی پدید میآورد. اکنون در آسیا و آفریقا این پدیده در بسیاری از کشورها دیده میشود؛

۲- گرایش درآمیختگی ملت ها در اثر پیدایش اقتصاد جهانی و شکستن جدارهای فاصل بین ملتها، که در دوران امپریالیسم تفوق مییابد. این پدیده نیز در مقیاس جهانی دیده میشود.

ولی سرمایه داری نمیتواند این تضاد را حل کند، یعنی اتحاد بین المللی ملتها را، در عین حفظ شخصیت مستقل ملی آنها، تأمین نماید. منظور ما از استقلال، یعنی رهائی یک ملت از تحمیل و تبعیض ملت دیگر و امکانش برای تعیین سرنوشت خود بر پایه مصالح تکامل خویش. امپریالیسم با چنین استقلالی ذاتا مخالف است و همکاری و شراکت (یا تریسم) با امپریالیسم بمعنای استقلال نیست.

سراسر جهان امروز پر از انواع نمونه های تضاد ملی است، زیرا سرمایه داری بر حسب ماهیت خود ناسیونالیست و سیطره جواست نه انتر ناسیونالیست. آنجا که ایدئولوژیهای بورژوا از باصطلاح اتحاد خانواده بشری دم میزنند، تازه این مطلب را بر پایه اندیشه جهان وطنی بیان میکنند. جهان وطنی یا کسوف-پولیتیک سرمایه داری، متضمن نفی شخصیت ملت ها و توجیه تبعیت ملل از یک ملت «بتر» و «زنده» است. تنها سوسیالیسم میتواند پدیده انتر ناسیونالیزه شدن جامعه بشری را تسریع نماید. لنین میگوید:

«هدف سوسیالیسم نه تنها از میان بردن هر نوع جدائی ملی، نه تنها نزدیکی ملتها، بلکه درآمیختگی آنهاست.» (کلیات جلد ۲۲، صفحه ۱۳۵).

لذا روند استعلا، درآمیختگی و اتحاد ملتها و پیدایش واحدهای بزرگ ملی، اگر طبیعی و مبتنی بر ستم ملی نباشد، روندی مترقی است. مارکسیست ها با روند استعلا مصنوعی و اجباری، که بورژوازی ملت حاکم برای محو شخصیت ملی خلقهای ستمدیده بکار میبرد، مخالفند و با آن مبارزه میکنند.

اکنون که با مقوله ملت و سیر پیدایش آن آشنا شدیم، نظری به «مسئله ملی» بیافزیم.

مسئله ملی، مسئله روابط اقتصادی، ارضی، سیاسی، دولتی، حقوقی، فرهنگی و زبانی بین ملتها و اقوام در فرماسیونهای اجتماعی -

یکی از مظاهر جالب شکل گرفتن زبانهای ملی در خاورمیانه، عمیق تر شدن جدائی زبانهای عربی و فارسی و ترکی از جهت واژه های علمی - سیاسی است. مثلا اگر پنجاه سال پیش در ایران و ترکیه و کشورهای عربی اصطلاح تشکیلات مترقی تقریباً مشترک بود، حالا «منظمات تقدمیه» در عربی، «ایلرچی آرگوت لر» در ترکی و سازمان پیشرو» در فارسی، این وجه اشتراک نسوی را از بین برده است.

اقتصادی مختلف است. این مسئله در همه فرماسیونها وجود داشته، ولی در دوران سرمایه داری، بویژه در دوران امپریالیسم، بعدا اعلامی حدت و شدت خود میرسد.

همانطور که مارکس و انگلس یاد آور میشوند (جلد ۲، جلد ۳، ص ۱۹-۲۰) مناسبات ملی را بویژه شیوه تولید، خصلت جامعه و نظام دولتی و تناسب قوای طبقات در درون ملت و سیاست ملی طبقات حاکم معین میسازد و خود این مناسبات ملی در جهات مختلف تکامل اجتماعی و از آن جمله در مبارزات طبقاتی تأثیر متقابل و متعاضد دارد. توجه به محتوی مسئله ملی و عوامل مؤثر در آن، برای احزاب انقلابی کارگری دارای اهمیت اصولی فراوانی است.

مبارزه علیه ستم ملی اشکال مختلف بخود میگیرد مانند: - مبارزه برای استقلال کامل یا نیل به خودمختاری سیاسی و اقتصادی در همین موجود،

- مبارزه برای وحدت سرزمین های پراکنده ملی، - مبارزه برای خودمختاری فرهنگی بدون خودمختاری سیاسی و اقتصادی و غیره.

ستم ملی نیز با اشکال مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و غیره از طرف هیئت حاکمه اعمال میگردد. این ستم با ستم طبقاتی در میآمیزد و منشاء بروز ایدئولوژیهای ناسیونالیسم (ملت گرایی)، شوینیسم (ملت گرایی افراطی)، راسیسم (برتری نژادی)، دشمنیهای مذهبی و غیره است که گاه نیز منجر به تیره شدن آگاهی زحمتکشان و گمراهی آنان و مانع اتحاد آنها علیه دشمن مشترک است. لنین یاد آور میشود که مسئله ملی به مختصات دوران معین تاریخی و شرایط خاص و مرحله معین تکامل اجتماعی هر ملت بستگی دارد (کلیات جلد ۲۳، ص ۵۸). بدین معنی، مسئله ملی در هر مرحله معین تاریخی، دارای محتوی طبقاتی معین است، لذا، چنانکه یاد آور شدیم، باید برای ارزیابی صحیح آن برخورد مشخص تاریخی و طبقاتی داشت.

مسئله ملی از جهت مارکسیسم - لنینیسم در دو سطح بررسی میشود، یکبار از جهت مبارزه ملتهای ستمدیده و وابسته برای نیل به استقلال سیاسی و اقتصادی در قبال امپریالیسم. این مسئله در مارکسیسم «مسئله ملی و مستعمراتی» نام گرفته، و یکبار از جهت مبارزه ملتها و اقوام محروم علیه ستم ملی در داخل کشورهای کثیر المله علیه بورژوازی ملتهای حاکم.

ماهیت هر دو نوع یکی است، ولی نوع دوم در تاریخ معاصر دوبار و با ویژگیهای معین بروز میکند. یکبار در قرن نوزدهم در امپراطوریهای اطریش - هنگری، در روسیه تزاری و در امپراطوری عثمانی و اینک در قرن بیستم، در کشورهای کثیر المله آسیائی و آفریقائی، که در آن بورژوازی ملت حاکم استقلال سیاسی را بدست آورده است. مثلا مسئله کرد در عراق و مسئله بنگلادش در پاکستان سابق از این نوع است.

در همین سطح، در کشور کثیر المله ما، مسئله ملی مطرح است. در کشور ما بجز فارسها، که اکثریت و حاکمیت با آنهاست، خلقهای دیگری وجود دارند، مانند آذربایجانیها، کردها، بلوچها، ترکمنها عربها، درجه قوام ملی این خلقها مختلف است. علاوه بر اینها در کشور ما اقلیتهائی وجود دارند، مانند ارمنیها، آسوریها و یهودیها و نیز واحدهای کوچک ملی در درون سرزمین خلق دیگر، مانند قبایل ترک زبان در فارس، کرد زبان در خراسان و تات ها و طالنها در آذربایجان. این اقوام طی قرون معاصر در کشور ما با هم زیسته و فرهنگ مشترکی را پدید آوردند، ولی وجود ستم ملی و محرومیت خلقها و اقلیتهای واحدهای ملی از تعیین سرنوشت و داشتن فرهنگ خود، وحدت جامعه کثیر المله ما را از بین میبرد. لذا، ما خواستار حل مسئله ملی در چارچوب وطن واحد، یعنی در چارچوب حفظ تمامیت ارضی ایران هستیم.

حزب ما در برنامه و اسناد مربوطه، خواسته های مشخص خود را در این زمینه بیان کرده است و از این جهت نخستین نیروی سیاسی است که مسئله ملی را بر پایه مارکسیسم - لنینیسم حل کرده و برای حل صحیح آن در ایران مبارزه کرده و میکند.

فئودالها و عوامل ارتجاع در کمیته های انقلاب هنوز باقی هستند

بیمار مرکز شهرستان گروس است. با جمعیتی در حدود ۲۵۰۰ نفر، که اکثر آن قشر کسبه شهری هستند، کمیته انقلاب در این شهر بوسیله دو نفر اداره میشود. یکی از آنها از موضع امام خمینی و از زحمتکشان این شهر و روستاهای آن در مقابل فئودالها و سرمایه داران پشتیبانی میکند و اکثریت مردم زحمتکش این شهر او را بعنوان رئیس کمیته قبول دارند. اما نفر دیگر امام جمعه سابق و فعلی این شهر و یکی از بزرگترین فئودالهای گروس است. این شخص مرغوبترین زمینها را در اطراف شهر بیمار و روستاهای در اختیار دارد، در حالیکه دهقانان روستاها بدلیل موقعیت دشوار زندگی و نبودن هیچگونه امکانات رفاهی، از روستا دل میکنند و به شهر روی میآورند. مردم این شهر در راهیهای روز و وحدت شمارهائی بر علیه امام جمعه این شهر دادند و خواستار برکناری او از کمیته بودند.

کتابخانه «مردم» در حال تشکیل است منتظر کمک شما هستیم

دفتر «مردم» در کار تشکیل یک کتابخانه است تا بتواند تسهیلات لازم را برای کار هیئت تحریریه فراهم آورد. از اعضاء، هواداران و دوستداران حزب خواهشمندیم به تحقق این امر لازم و مفید کمک کنند. لطفا کتابهای اهدائی را از هر نوع و با هر چاپ، به دفتر «مردم» ارسال دارید. اگر تعداد کتب اهدائی زیاد است، ننگ بزنید، دفتر «مردم» ترتیب حمل آنرا خواهد داد. با سپاس، «مردم»

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود. نشانی: خهباسان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

توان اقتصادی اتحاد شوروی و تبلیغات ضد شوروی امپریالیسم و ارتجاع جهانی

امپریالیسم امریکا از ماهیت استثمارگر و ضد خلقی سیستم سیاسی و اقتصادی امپریالیسم نشأت میگیرد، که امپریالیسم در سراسر تاریخ موجودیت خود بدان عمل کرده است

بیکرهائی از ذخائر منابع طبیعی اتحاد شوروی و توان اقتصادی و صنعتی این کشور، این افسانه سازها و آئینده نگرهای بشکاهای پژوهشی و محافل تبلیغاتی امپریالیسم امریکا را، که با هدف معین ساخته و پرداخته میشوند، بنحوی قانع کننده برهلا میسازد.

برغم پیشگوییهای محافل امپریالیستی در مورد بیابان رسیدن ذخائر نفت اتحاد شوروی در سالهای ۸۰، استخراج انواع مواد سوخت در اتحاد شوروی نه تنها تنزل نیافته، بلکه به میزان آن افزوده شده است. طی ۴ سال اخیر، میزان استخراج نفت و گاز فشرده در اتحاد شوروی ۱۰۰ میلیون تن افزایش یافته است. در ظرف همین مدت، معدن شناسان شوروی متجاوز از ۱۰۰ منبع جدید نفت و گاز غلیظ در سرزمین اتحاد شوروی کشف کرده اند. اتحاد شوروی از لحاظ ذخائر سوخت مایع و جامد در جهان مقام اول را داراست. در سال جاری، طبق برنامه پنجساله، ۵۹۳ میلیون تن نفت و گاز فشرده در اتحاد شوروی استخراج میشود. ذخائر زغال سنگ در اتحاد شوروی هفت تریلیون تن، ذخائر گاز بیش از ۲۰۰ تریلیون متر مکعب و برابر ۲۰۰ میلیارد تن نفت، تخمین زده شده است. ذخائر سنگ آهن اتحاد شوروی به اندازه ایست که میتواند نیازمندیهای سراسر جهان را برای صدسال تأمین کند.

اکنون میزان ۲۰ درصد محصولات کل جهان در اتحاد شوروی تولید میشود، که این مقدار برابر مجموع محصولات صنعتی جمهوری فدرال آلمان و بریتانیا کبیر است. رشد و گسترش اقتصاد اتحاد شوروی صد درصد متکی به منابع و مواد خام داخلی کشور است. ۹۸/۵ درصد نیازمندیهای مردم کشور با فرآورده های داخلی کشور تأمین میشوند و واردات اتحاد شوروی از کشورهای سرمایه داری تنها ۱/۵ درصد مجموع فرآورده های ملی را تشکیل میدهد. در سال ۱۹۷۸، اتحاد شوروی معادل سیزده میلیارد دو نیم دلار ماشین آلات و کالاهای صنعتی به جمهوری فدرال آلمان، فنلاند، ایتالیا، فرانسه و بریتانیا کبیر و ایالات متحده امریکا و کانادا صادر کرده است. در همین سال صدور ماشین آلات و تجهیزات و کالاهای صنعتی از اتحاد شوروی به کشورهای غربی یسازده درصد افزایش یافت.

اماد رهیچیک از برنامه های رسانه های گروهی و در هیچیک از مطبوعات غربی کوچکترین اطلاع و یارقی را در باره ترقیات اقتصادی شوروی، در میان جنگ انبوهی از تبلیغات شبانه روزی ضد شوروی، نمیتوان یافت. علت آنهم روشن است. جهان سرمایه داری، که دست بگریبان بحرانهای ادواری تورم، گرانی قیمتها و بیکاریست، در بیان واقیقات درباره دستاوردهای نظام سوسیالیستی نه تنها ذیقغ نیست، بلکه بیان این واقیقات را برای مجموعه نظام سرمایه داری خطرناک می بیند و بدنبال همین نادیده گرفتن واقیقات به تحریف و افسانه سازی در مورد کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی میپردازد.

محافل تبلیغاتی و رسانه های گروهی کشورهای امپریالیستی در تلاشهای خود جهت بی اعتبار کردن نظام سوسیالیستی و تحریف و وارونه جلوه گری ساختن واقیقات این نظام بویژه در اتحاد شوروی، از هیچ افترا و دروغ و افسانه پردازی ابا ندارند.

تحریف سیاست خارجی اتحاد شوروی و خط مشی آن نسبت به جنبش های ترقی خفها، در تبلیغات امپریالیستی و مجموعه تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی به امری عادی تبدیل گشته است. محافل تبلیغاتی امپریالیستی برای توجیه سیاست نظامیگری، مسابقه تسلیحاتی و مداخله خود در امور کشورهای دیگر، همیشه مسئله خطر پنداری از جانب شوروی و به اصطلاح نقشه های توسعه طلبانه شوروی را بمیان میکشند، گناه بحران انرژی را در جهان سرمایه داری بگردن اتحاد شوروی میکذارند، ادعا میکنند که تا سالهای هشتاد ذخائر نفت و گاز اتحاد شوروی به پایان میرسد و به همین سبب اتحاد شوروی برای دستیابی به منابع نفت خلیج فارس نقشه های طرح میکند و میکوشد کشورهای این منطقه را بزیر سلطه خود درآورد.

دو اثر جاسوسی و محافل نظامی، که تخصص آنها «تحقیق» در رشته های سیاسی و اقتصادی و نظامی در اتحاد شوروی است، بر اساس «پژوهشهای علمی» خود گزارشها و برنامه های آینده نگری تنظیم میکنند و در اختیار مقامات دولتی و گردانندگان سیاست خارجی امریکا قرار میدهند.

چندی پیش از جانب همین موسسات گزارشی درباره منابع انرژی و دیگر منابع طبیعی اتحاد شوروی انتشار یافت. طبق این گزارشها، که بر اساس اطلاعات اداره جاسوسی امریکا «سیا» تنظیم گردیده، در سالهای هشتاد، اتحاد شوروی از کشور صادر کننده نفت به کشور وارد کننده این ماده سوخت تبدیل خواهد شد ۱ با مطالعه این گزارش، سیاستمداران امریکا به چنین نتیجه ای رسیده اند که چون اتحاد شوروی پول کافی برای خرید نفت ندارد و در عوض تانک و هواپیما بسیار دارد، پس برای دستیابی به منابع نفت، به مناطق نفت خیز خلیج فارس حمله خواهد کرد و معادن نفت این منطقه و کشورهای عربی را تصرف خواهد کرد!

در پی این «نتیجه گیری»، این سؤال را مطرح میکنند، برای اختراز از چنین «فاجعه» ای چه باید کرد؟

بنتاگون (وزارت دفاع امریکا) و کمپلکس های نظامی - صنعتی، بیدرتنگ به این پرسش چنین پاسخ میدهند: باید به سلاحهای جدیدی مسلح شد، صدور سیل تسلیحات امریکائی به کشورهای این منطقه را افزود، حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و حوزه اقیانوس هند را گسترش داد، نیروی صد و ده هزار نفری واکنش سریع، مرکب از دو تیپ چتر باز، دو تیپ تفنگداران دریائی، از ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ فرزند جت چکننده، که با ناوهای هواپیما بر و ناوهای اژدر افکن پشتیبانی میشوند و مأموریت اشغال منابع نفت در منطقه خلیج فارس را دارند، تشکیل داد و گسترش پایگاه نظامی دریائی امریکا در دریای کارائیب، در اقیانوس هند، و تجهیز آن با سلاح هسته ای را تحقق بخشید!

اما هدف واقعی همه این اقدامات توطئه گرانه و تجوز کارانه

حزب توده ایران پیشنهاد میکنند که «جبهه واحد خلق» تشکیل شود و برنامه مشترک نوسازی کشور تنظیم گردد. حزب ما برای خود در این جبهه حقی برابر حق دیگران قائل است نه بیش و بر آنست که همه باهم در این راه نوسازی بکوشیم و همه با هم با تحول زما نه همگامی کنیم.

حزب ما حاضر است در این وحدت عمل، نه تا پانزده یا سی سال، بلکه تا هر مقدار که لازم است پیش برود. از جانب ما هرگز خدعه و پیمان شکنی رخ نمیدهد. یا مثلاً پیش کشیدن دعوای مذهبی و لامذهبی در مورد حزب ما، توسل به انتساب بلا دلیل و افتراء صرف است.

ما با احدی پرس مسائل متافیزیکی بحث نداریم. سخن ما نه بر سر آسمان، بلکه بر سر زمین، بر سر سر نوشت انسان است.

اگر شما با بهبود سر نوشت انسان و تکامل مدنی او موافق هستید، ما بهره عمده ای که شما درباره مبدأ و معاد داشته باشید، با نظر احترام مینگریم. ما بارها گفته ایم که حزب ما یک سازمان سیاسی است نه مذهبی، و در آن، دارندگان نظریات مذهبی هم عضویت دارند. ولی اسرار عجیبی دارند که حساب حزب توده ایران را با حسابهای مخلوط کنند که ارتباطی بوی ندارد. آیا میتوان خلفاء عباسی را، بصرف آنکه آنها نیز مدعی اسلام بوده اند، در کنار ائمه شیعه گذاشت؟

این مطلب را ما بارها گفته ایم، ولی کسانی در مصححان نیست که باین مطالب گوش فرا دهند. در مصححان آنها است که به حزب توده ایران عقاید بی بندوباری را نسبت بدهند، تا سپس بتوانند آنها را، باد در گلو، با چابک دستی یک مهره باز، رد کنند. این زشت است. این در خورد افراد مسئول نیست.

اگر وجدان و شیوه جدی سیاسی در میان است، نظر سازمانهای سیاسی را نه از فرض خود، بلکه از بیان خود آنها بررسی کنید. اگر چیزی را رد میکنید، حصر گفته شده ای را رد کنید، نه دعوی «من عدی» را و این نهایت بدوی بودن و مبتذل بودن است که چنین میشود.

کسانی مدعی اند که در فکر انحصار قدرت نیستند. ما این سخن را، اگر صمیمانه باشد، تهنیت میکنیم. ولی نخستین علامت آن، توجه دقیق به عمل و نظر کسانی است که باروش سازنده ای عمل میکنند. نخستین علامت آنست که نظر و روش سازنده این کسان را و ازون جلوه ندهیم. ولی اگر ما عالماً و عامداً مواضع را مخلوط

دمکراسی به چه معناست

مسئله دمکراسی، در کنار استقلال، یکی از دو هدف اساسی ما در انقلاب ملی و دمکراتیک کنونی است. ولی از جهت دریافت محتوای آن، نوعی سردرگمی حکمرواست.

برخی ها دمکراسی را تا حد «آزادی گرائی» (یا لیبرالیسم) متداول در جوامع بورژوازی غرب) تنزل میدهند و میکویند دمکراسی یعنی آزادی عقاید و بیان و اجتماعات و انتخابات و امثال آن. و حال آنکه دمکراسی تنها آزادیهای دمکراتیک نیست، بلکه در عین حال حقوق دمکراتیک است، که بدون تأمین و تضمین آن در جامعه، آن آزادیها فقط یک پرده فریب و یک نقاب تزویر است. حقوق دمکراتیک برای دمکراسی جنبه مضمونی دارد.

حقوقی مانند حق کار، حق استراحت، حق تحصیل، حق درمان، حق تأمین دوران پیری، حق تأمین دوران مادری، حق زنان به برابری با مردان در همه عرصه ها، حق خلقیها در تعیین سر نوشت خویش بصورت خود مختاری در وطن واحد و امثال آن، محتوای زندگی آزاد و انسانی هر شهروند است و اگر این حقوق تأمین و تضمین نکردد، آدمیزاد از زندگی در خورد نام و مقام تاریخی خود محروم است. به همین جهت است که ما میکوییم، حقوق دمکراتیک برای دمکراسی اهمیت محتوایی و مضمونی دارد.

لذا در مفهوم دمکراسی نباید آزادیهای دمکراتیک را مطلق کرد و مضمون آنرا، که حقوق دمکراتیک شهروندان است، در پرده گذاشت.

چه سودی از آزادی، وقتی انسان بیکار است، بیسواد است، بیمار است، در قید ستم ملی و قومی است، بعنوان زن و مادر دچار حرمان و نا برابری در خانوادها و جامعه است، در سن سالخوردگی بیگس و کار است و به زندگی با اصطلاح «بدرت ازسک» محکوم است، ولی تنها باو حق «پارس کردن» داده اند!

اگر حقوق دمکراتیک، که دارای جنبه محتوایی است، تأمین و تضمین شود، بناگزیر آزادیهای دمکراتیک را بوجود میآورد. ولی عکس آن دشوار تر است و دیده نشده است که آزادیهای دمکراتیک بخودی خود بتواند کبره ها را با سانس بگشاید. مثلاً در جوامع بورژوازی دیده ایم که قریهات احزاب مختلف در پارلمانها عرض اندام میکنند، ولی هنوز برس حقوق اولیه انسانی بحث و کشمکش است، زیرا برای سیستم سرمایه داری صرف نمیکند که ثروت میلیاردها را در رفاه و گذران انسانی مصرف کند. سرمایه داری اگر حقوق دمکراتیک را برای افراد جامعه تأمین کند، ورشکست میشود.

اما آزادیهای دمکراتیک، آنهم بشکل قریبی آن، سودمند نیست. اینکه هر گروه بی مسئولیتی به پیروی از یک مقدار نظریات ضد اجتماعی بتواند نظم و تکامل جامعه را مختل سازد، این استی آزادی و دمکراسی نیست. این جنگلی که در جوامع غربی بنام «دمکراسی» بوجود آورده اند و یک توطئه اجتماعی است برای کج کردن جامعه. عقلانی آنست که نباید بین آزادی فرد و گروهها با تکامل و حیات تند رست و پویای جامعه تناقض پدید شود. آزادی باید آزادی مسئول باشد.

در کشوری، مانند کشور ما، بهترین شکل دمکراسی، دمکراسی ملی است. یعنی اتحاد عمل کلیه احزاب، سدیگاهها، گروهها و جمعیتها، کانونها، مطبوعات ملی و دمکراتیک در داخل یک جبهه واحد خلقی. این سازمانها میتوانند لیبرال باشند، مذهبی باشند یا مارکسیستی. ولی در این جبهه واحد خلقی برای دشمنان دمکراسی و خواستاران رژیمهای اشرافی و فئودالی و عمال امپریالیسم جائی نیست و نباید باشد. یا بدیگر سخن، این جبهه باید از نیروهای تشکیل شود که بحرکت جامعه در جهت منافع اکثریت خلق باور دارند، البته هر سازمانی به شیوه خود و با جهان بینی خاص خود و استقلال سازمانی خود، ولی این «مخرج مشترک» باید وجود داشته باشد، لذا میکوییم سازمانهای ملی و دمکراتیک.

این جبهه واحد خلقی، چه وظایفی را باید عملی سازد؟ این جبهه سازمان ویژه خود را پدید میآورد و برنامه مشترک خود را تدارک میبندد. (یعنی برنامه نوسازی جامعه در جهت استقلال و آزادی مین، در جهت منافع زحمتکشان مین) و سپس همه در راه تحقق این برنامه مشترک میکوشند. محکوشی و همپاری، و نه رقابت خرد کننده، شیوه اعضای جبهه است.

شرکت در جبهه واحد خلقی حق داشتن سازمان و مطبوعات مستقل، حق اظهار نظر مثبت یا منفی درباره سیر امور و حق تبلیغ جهان بینی خود را از هیچ سازمانی سلب نمیکند. اینست ترکیب آزادی و مسئولیت، کثرت و وحدت. تمام مسئله در اینجا است. در عین حال شرکت در جبهه از تصادم عبث انرژی این سازمانها، که میتواند بسود ضد انقلاب باشد، جلو خواهد گرفت و همیشه در برابر ضد انقلاب سد محکمی از اراده مشترک جامعه بر خواهد افراشت.

ما این نکات مهم را در گذشته نیز گفته ایم. ولی معلوم نیست چرا حتی کسانی که خود را در صحنه سیاسی مسئول و فعال میدانند، نظریات سازمانهای دیگر را بررسی نمیکند و اظهار نظر آنها درباره عقاید دیگران آنقدر غیر مستند و دلخواه است؟!!

مثلاً میکویند که گویا حزب توده ایران نقشه پانزده ساله یا سی ساله ای دارد و حالا تنها با لحاظ تاکتیک (یعنی حقه بازی) در مورد جمهوری اسلامی سکوت میکند. کمین کرده است. منتظر فرصت است. این لثوه محض است!

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به وقفا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار، چون تکیه به اینک فرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تا اکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نا دقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری بار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبدول دارند. با سپاس.

«مردم»

و دوست و دشمن را درهم می آمیزیم، آنوقت هدفمان چیست؟ خلاصه کنیم!

حزب توده ایران یک مسلک مذهبی یا لامذهبی نیست و بامذهب هم سر تراغ ندارد، بلکه یک حزب سیاسی است. برنامه اجتماعی او بخاطر بهبود سر نوشت انسان است. نمیخواهد انحصاری عمل کند و مایل است در اتحاد با دیگران گام بردارد. معتقد به آزادیهای مسئول دمکراتیک و بویژه حقوق دمکراتیک زنان و مردان و همه خلقهای ایرانست. روش او سیاست اوست، نه تاکتیک کوتاه مدت او. حرف خود را میزند و مسئول سخن و عمل دیگران نیست. نیروی سازنده است نه ویران کننده. بالاخره وقت است که این مطالب یکبار برای همیشه فهمیده شود و بنام حزب ما عقاید و نظریات فرض نکنند.



فعالیت ضد انقلاب در اراک تشدید شده است

ضد انقلاب در اراک هم، چون دیگر نقاط کشور، فعالیت خود را، که لبه تین آن متوجه پراکنده کردن نیروها، تضعیف رهبری و بدبین کردن مردم است، تشدید کرده است. عدم قاطعیت ارگانهای انقلابی هم، فرصت عمل ضد انقلاب را هر روز بیشتر فراهم میکند.

طبق گزارش خبرنگاران «مردم»، اراک در هفته‌های اخیر شاهد رشد فعالیت ضد انقلاب بوده است، که با شیوه‌های گوناگون سعی در تفرقه افکنی، ایجاد جو اختناق، دامن زدن به ناراضی‌ها و گسترش تبلیغات ضد کمونیستی دارد. برخی از فعالیتهای ضد انقلاب را در اراک خبرنگاران «مردم» چنین گزارش داده‌اند:

— افراد مشکوک، با تحریک کسبه پاساژ طایبان، سبب تعطیل شدن یک کتابفروشی شدند که به تازگی در این محل تأسیس شده بود.

— چند شب بی‌دری، عده‌ای با دادن شعارهای ضد کمونیستی، با تظاهر به اسلام، به دهکده‌های روزنامه‌فروشی‌ها حمله و تمام روزنامه را پاره کردند. در حالیکه یکی از پاسداران، که شاهد این ماجرا بود، میگفت: «ما اطلاع داریم که گروه‌هایی متشکل از عناصر ساواک در اراک دست به فعالیت‌های ضد انقلابی می‌زنند، مأموران کمیته، که در آنجا حاضر بودند، کوچکترین دخالتی نکردند.

— برخی از مسئولین «کمیته جهاد سازندگی»، از شرکت نیروهای مترقی و از جمله رفقای توده‌ای مادر فعالیت جهاد سازندگی جلوگیری میکنند.

— ساعت یک بعد از نیمه شب سی و یکم تیرماه، گروهی از عوامل ضد انقلابی، که کنترل مولوتوفی از لوله بخاری کتابخانه فوق برنامه دانشجویی مدرسه عالی علوم اراک به سه درون کتابخانه انداختند، که با صدای زیادی منفجر شد. صدای انفجار، دخترانی را که در خوابگاه دانشجویی نزدیک کتابخانه میخوابیدند، بیدار کرد و آنها، بعد از بی‌بدری به ماجرا، به آتش نشانی اراک خبر دادند. هم‌زمان با منفجر شدن بمب، گروهی از عناصر مشکوک، که خود را «اسلامی» مینامیدند، در جلوی خوابگاه دختران شروع به دادن دشنام به دختران خوابگاه، که از نظر آنها «کمونیست» هستند، کردند و بعد از نیم ساعت محل را ترک نمودند.

— دانشجویی که از طریق بورسیه سپاهیان ممتاز وارد مدرسه عالی علوم اراک شده در دوران شاه خائن از عناصر باشگاه ضد دانشجویی بود، مدتی است با درست کردن «گروه وانجمن هفته» و با مخفی شدن زیر پرچم اسلام، دست به فعالیت علیه حزب توده ایران و فدائیان خلق زده است. او با استفاده از تصمصب برخی افسران، سعی میکند بین نیروهای چپ و عناصر مذهبی برخورد به وجود بیاورد.

اخبار کارگری

تا کسیرانان در گرگان چه می‌خواهند؟

شما چه نوع تقسیم‌را در مورد تاکسیها پیشنهاد میکنید؟ او جواب داد: «ما خواستار تقسیم ۲۵ تاکسی بین ۵۰ نفر از اعضای مستضعف سندیکا هستیم، بطوریکه به هر دو نفر یک تاکسی برسد و ضمناً قید شود که هیچکس از این افراد حق فروش سهم تاکسی خود را چه کسی بجز افراد سندیکا و در هر زمان و با همان قیمت اولیه که دریافت کرده‌اند، ندارد.»

سؤال شد: چه کسانی رهبری سندیکای شما را برعهده دارند؟ جواب داد: «هر که هستند، از طرف ما انتخاب نشده‌اند و هر کدامشان دارای چند عدد تاکسی و کسلی ثروت هستند و خیلی از ما قبولشان نداریم، چون بדרך ما نمی‌رسند و همیشه سر و صدای ما را بشکلی می‌خواه‌باندند. سؤال شد: اگر از آنها راضی نیستید، چرا دوباره انتخابات نمی‌کنید؟ جواب داد: «بناظر نبودن تشکل کافی همان‌ها، که آنهم بدلیل پائین بودن سطح آگاهی تعدادی از تاکسیرانان است، که از دهات اطراف ناگزیر به شهر روی آورده‌اند و فقط می‌خواهند که تاکسی برانند و برایشان شرایط کار، گرانی وسایل یدکی و حق کشتی در گذرهای بالای سندیکا و بقیه مشکلات مهم نیست. فقط داشتن یک شغل مهم است. این افراد به علت عدم آگاهی به تشکل ما ضربه می‌زنند.»

اعضای سندیکای اعلام کرده‌اند که اگر تاکسی‌ها به این افراد واگذار شود، از کار آنها در شهر جلوگیری خواهند کرد. اعضای سندیکا با فرستادن نامه‌هایی به تهران خواستار رسیدگی به این امر شدند. بنظر ما هر چه زودتر باید به خواسته‌های بحق اعضای تاکسیرانان گرگان، که بسیاری از آنها در وضع بسیار بدی هستند، رسیدگی شود و تاکسی‌ها طبق خواسته‌های آنها فروخته شود.

حدود چهل و پنج روز پیش قرار شد که از طرف سندیکای تاکسی‌داران تمسداد بیست و پنج عدد تاکسی به اعضای سندیکا داده شود. برای همین منظور از طرف کمیته افرادی مامور شدند وضع اعضای سندیکا را بررسی کنند و به نسبت احتیاج آنها تاکسی‌ها را تقسیم کنند. اما با مراجعه چند تاکسی‌دار ثروتمند به عده‌ای که مسئول حفظ حقوق مردم و منتخب از طرف کمیته تهرانند، کار تقسیم تاکسیها آنجا رسیده که قرار شد تاکسیها به همین افراد فروخته شود. این امر باعث شد که تاکسی‌رانان عضو سندیکا در محل فرمانداری گرگان دست به تحصن زدند. پس از چند ساعت آقایان درازگیسو، فرماندار گرگان، برای رسیدگی به وضع متحصنین به محل آمدند و ضمن سخنرانی به رانندگان توهین کرد. تاکسی‌رانان بشدت ناراحت شدند. سپس سرگرد قیامی، رئیس اداره راهنمایی و رانندگی گرگان، آمد و از متحصنین پرسید، آقایان مسرا قبول دارید یا نه؟ تاکسیرانان جواب دادند: بله، شما را قبول داریم. سرگرد قیامی سپس از آنها خواست که تحصن را بشکنند. و همان موقع همه تاکسیرانان تحصن را شکستند و محیط فرمانداری را ترک کردند.

وضع آن بیست و پنج تاکسی تاکنون روشن نشده، ولی گفته میشود که قرار است به همان تاکسی‌داران تسریعاً تمسداد داده شود. از یکی از رانندگان سؤال شد که:

از کمپهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم
از طرف شاگردان دبستان خسروان ۱۰۰۰ ریال
ایروان ۱۰۰۰۰
انصاری ۲۰۰۰۰
امینی ۵۰۰۰
هدیه عروسی از صحنه (کرمانشاه) ۱۰۰۰۰ ریال
خ. م. جوچین، کارگاه دژ (کرمانشاه) ۵۰۰۰ ریال
صادق از کرمانشاه ۱۰۰۰
حسام. ت (بخشی از پس‌انداز) ۱۰۰۰ ریال

کتاب تازه «گفتاری درباره امپریالیسم» از: نورالدین کیانوری نگاشته سال ۱۳۵۳ از انتشارات حزب توده ایران
صغری کرامتی ۵۰۰۰۰
محمد باقر حسین پور ۵۰۰۰۰
مارکاریان ۵۰۰۰
س. ح. ۵۰۰۰
سرجیک ۳۰۰
۲۱ د ۵۰۰۰

بیماران بیمارستان شیرو و خورشید ساوه اعتصاب کردند

بیماران بیمارستان شیرو و خورشید ساوه از روز سیزدهم مرداد دست به اعتصاب زدند. خواسته‌های اعتصابیون به این ترتیب اعلام شده است:

- کاهش ساعت کار به ۶ ساعت
- پرداخت حقوق مانده‌ها
- جا با ضرب ۶۰٪
- پرداخت حق مسکن
- توجه به کارکرد و سابقه یکماهه
- تعداد ۱۷ نفر کادر بیمار

یکی از بیماران اعتصابی به خبرنگار «مردم» گفت: «مسئول کل بهداری و بهزیستی شبکه قم ساوه، بعد از اطلاع از اعتصاب، بجای جواب، ما را به بی‌فرهنگی متهم کرد.»

بیماران بیمارستان شیرو و خورشید ساوه اعتصاب کردند

بیماران بیمارستان شیرو و خورشید ساوه از روز سیزدهم مرداد دست به اعتصاب زدند. خواسته‌های اعتصابیون به این ترتیب اعلام شده است:

- کاهش ساعت کار به ۶ ساعت
- پرداخت حقوق مانده‌ها
- جا با ضرب ۶۰٪
- پرداخت حق مسکن
- توجه به کارکرد و سابقه یکماهه
- تعداد ۱۷ نفر کادر بیمار

یکی از بیماران اعتصابی به خبرنگار «مردم» گفت: «مسئول کل بهداری و بهزیستی شبکه قم ساوه، بعد از اطلاع از اعتصاب، بجای جواب، ما را به بی‌فرهنگی متهم کرد.»

با عنوان «پیوند» فرستاده، که آنرا به شهید راه خلق، رحیم شیخ‌زاده، تقدیم کرده است. در این شعری که «صداقت نقش قبر شهید» نامیده شده، از گروه منشعب و از «نوید» و از هراس ستمگر از اتحاد خلق سخن می‌رود. از کرمانشاه لطیف ک. شعر خود زیر عنوان «حزب توده‌ها» را چنین آغاز می‌کند: «صدایت آشناست، صدایت بجاست/ صدایت، طنین فاتحانه چکش‌ها و داس‌هاست./ صدایت، پژواک خروش توده‌هاست/ یاد «آرانی»/ در عرق ریزان کار/ خستگی را از بازوی کارگر می‌گیرد. «از ع. ج. شعر بلند «آزادی، طبیعت و زندگی» به «مردم» رسیده است. متأسفیم که نمیتوانیم این شعر بلند را بناظر حجمش و بیانی که شاید برای نشریه دیگری مناسبتر باشد، چاپ کنیم. همچنین ل. آ. از دهلران، همراه نامه خود و شرح حال کارگران و رفنگران آنجا، نظم گونه‌ای فرستاده در تشریح وضع زحمتکشان این شهر و در پایان با نوید آمدن روزهای خوب و پایان یافتن دنیای رنج و الم برای کارگر.

تیرداد از آمل نیز شعر گونه‌ای با سبکی جالب در چهار صفحه فرستاده است. بسراپنده توصیه میکنیم که بیشتر بخواند و با ادبیات غنی گذشته و حال کشور ما بیشتر آشنا شود و حشو و زوائد غیر شعری را از سروده خویش پاک کند، برای هر مضمون شکل و سبک متناسب با آنرا بیاید و بعد از چندین بار سرودن و گزینش بازم آثار خود را برای ما بفرستد.

هنوز هم وجود دارد. دولت کوشانیان در افغانستان قدیم بوده و نمیتواند ارتباطی به دولت کاسی‌ها در غرب ایران داشته باشد.

● حمیدیس، دانش‌آموز از مشهد، سن شما کافی برای عضویت در حزب نیست. حتماً تاکنون راه خود را یافته‌اید و در مبارزات متشکل دانش‌آموزی شرکت میکنید. در فروش «مردم» شرکت کنید و اگر هنوز مشکلی دارید، برای ما بنویسید.

● رضا الف. ق. در نامه خود اعتراض خویش را نسبت به کسانی که نسبت به تصاویر شهدای حزب بی‌احترامی کرده و آنها را پاره میکنند، ابراز میدارد و می‌نویسد: «توده‌ایها ۳۷ سال است که می‌گویند ما این‌شاه خائن و جانی را نمی‌خواهیم و این شهیدان که اکنون بناظر سالگرد شهادتشان عکسهایشان بر در و دیوار نصب میشود، بهنگام تیرباران میکنند، مرگ بر شاه خائن! اما حالا کسانی هستند که این تصاویر را پاره میکنند.»

— از همه دوستانیکه برای «مردم» نامه فرستاده‌اند، تشکر میکنیم و از اینکه بعلمت تراکم نامه‌ها در پاسخ‌تاخیر میشود، پوزش میطلبیم.

● اشعار متعددی این هفته نیز بدفتر «مردم» رسیده است. پورند از سریل. زهاب شش رباعی فرستاده در وصف زحمتکشان کارگر و دهقان. همین خواننده گرامی غزل مفصلی نیز فرستاده است، منجمله با این بیت: «کس معنی مطبوع انا لاجق نشناسد/ تا قامت منصور سردار نباشد.» گاه شعر

● دوست عزیز پاشاکی، از مطالبی که نوشته و شعری که فرستاده‌اید، تشکر میکنیم. متأسفیم که نامه قبلی شما نرسیده. درباره شمرتان خوب خواهد بود، اگر آنچه را که قبلاً در «مردم» نوشته‌اید و با دوستان جوان و با قریحه‌ایکه برای ما شعر میفرستند، بکفتگو نشست‌ایم، باریکتر بخوانید. البته این را هم باید دانست که حتماً لازم نیست انسان احساسات و اندیشه‌های خود را در قالب شعر بریزد. مطالعه آثار کلاسیک و جدید ادبی کشور ما و زحمت بسیار و حسن گزینش، علاوه بر استعداد یا تمایل به شعر گوئی، لازمت تا یک اثر هنری شایسته این نام — آنهم در کشوری مانند ایران، با آن سابقه غنی و پر افتخار در این زمینه — پدید آید. درباره فعالیت تبلیغاتی، علاوه بر آنچه انجام میدهند، اگر امکان دارید، میتوانیم چاپ مجدد برخی از مقالات «مردم» را، که برای محیط خویش مناسبتر تشخیص میدهند، توصیه کنیم.

● نامه دوست گرامی م. بهرام رسیده است! همانطور که در «مردم» خوانده‌اید، بزودی مجله دنیا، نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب ما انتشار خواهد یافت. (۲) از تصحیحی که نموده‌اید، متشکریم و همچنین از ابراز محبت نسبت به «مردم».

● آقای ع. قیامت نامه جالب شما رسید. نوشته‌اید: «چنانچه خواهان عزت و سعادت خلقها هستید، مبلغ حقیقت و درانمای مردم در قبول آزادی باشید» و سپس تکیه بر ریشه کن ساختن جهل و فقر و بیماری نموده‌اید، نامه شما نشان میدهد که چقدر تلاش کسانی که میکوشند مرز بین معتقدان بزمذهب و غیر آنها را مرز بین مردم در مقابله با مشکلات جهان نشان دهند، اشتباه است و تا چه اندازه همه اینها، بشرطی که طرفدار حق و مردم و در شرایط کنونی ما طرفدار انقلاب و مخالف با امپریالیسم باشند، حرف مشترک دارند و میتوانند زبان مشترک پیدا کنند.

● رفیق کارگری که در یکی از کارخانجات متعلق به لاجوردی‌ها کار میکرد، مینویسد که چهارپنج دارد و ۷۰۰ تومان در ماه کرایه خانه میدهد و مهندس که چهار هزار تومان حقوق داشت، چندین ماه پیش او را از کار، بعلمت سیاسی، بیرون کرد و هر جا میرود نمیتواند کاری پیدا کند. دوست کارگر ما شرح میدهد که چگونه با نفاق افکنی و شایعه سازی کاری کردند که سایر کارگران از او حمایت نکنند و در واقع کلید اصلی مسئله را در همین جا بدست میدهند. زیرا مهم همین جلب همبستگی همه همقطاران است. اگر این اتحاد و همبستگی باشد، اگر کارگران از هم مدافعه کنند و بیبها نه‌های مختلف ملی و مذهبی و غیره با هم دشمنی نکرده از یکدیگر دفاع کنند، حتماً حق خود را خواهند گرفت و جلوی زور گویی و سوءاستفاده مدیران و صاحبان کارخانجات را سد خواهند کرد.

● رفیق دیگری کارگران ن. ن. کارگر ساده است که حرفهای خودش را با مردم ساقی کلابه بیک نفر آشنای با سواد گفته و او چنین نوشته:

«افراد از انقلاب اسلامی سوء استفاده میکنند. یک روحانی نمای ضد انقلابی بنام نصرتی در ساقی کلابه چپاول و غارتگری را در دی ماه گذشته آغاز کرده وی تعدادی ماشین از اردوگاه نظامی به غنیمت گرفت که عبارتند از چند تا لندرور و دو عدد میخی یوس و یک عدد آمبولانس و یک آتش نشانی میخی یوس‌های یکی در جاده چالوس — شهسوار و دیگری جاده اردبیل به خلخال کرایه‌کشی میکردند. از سیلات هم سوء استفاده میکرد. ماهی‌های ریز را به مردم میدادند و ماهی‌های درشت را نگه میداشتند و بازار سیاه راه میدادند. مردم میگفتند، ما که در این شهر نه کمیته داریم نه پاسداران انقلاب داریم و نه شهر بانی، نه پاسگاه ژاندارمری و نه دادگستری داریم که به درد مردم برسد. یک شب هم با اسلحه کاسیها را مجبور کردند که در دکانها را ببندند و در تظاهرات شرکت جویند. وی که تظاهر باسلام میکند، در کمیته شهسوار هم برای خود آشنا و پشتیبان دست و پا کرده و مردم را می‌چاپد امام خمینی گفتند که انقلاب را ما فقط برای کارگران و مستضعفین بوجود آوردیم، ولی این آدم ناپاک که دم از خدا و انسانیت می‌زند، یک ضد انقلابی بیش نیست و عملاً مردم را بر علیه انقلاب تحریک میکند.»

ن ن مینویسد «ملت باید بیدار باشد و گول اینطور آدمها را نخورد.»

در مورد سوالی که از طرف دوست م. ب. از رفیق احسان طبری در مورد «کاسی‌ها»، بمناسبت مقالات مربوط به شناخت جامعه کشور ما، شده، پاسخ ایشان چنین است:

«منشا نژادی کاسی‌ها و کاسپی‌ها (که نام دریای خزر مثلاً در فرانسه از آن آمده است) معلوم نیست یکی باشد. روشن نیست که واژه کاسی با کاسما هم ریشه باشد (و نیز با کاسی و کاشان) آنقدر که مسلم است، کاسی‌ها پیش از هزاره قبل از میلاد، در کوه‌های زاگرس، دولتی داشتند که با آشوریهها می‌جنگیدند و حتی بابل را هم متصرف شدند. هیچیک از مورخین، آریایی نبودن این قوم را تأیید نکرده‌اند. لذا مسلم نیست که واژه «کاس» که اصولاً در فارسی بمعنی کبود است (مانند کاسه، کاسکین و نیز در کاس آقا و کاس خانم، که در گیلان متداول است) بتواند قرینه‌ای بر تعلق نژادی و آریایی بودن این قوم باشد. با اینحال فرضیات دوست ما آقای ب. ب. در این زمینه بکلی غیر متحمل نیست و توجه ایشان به پیوند واژه‌ها و اسامی برشمرده، توجه جالبی است. در مورد واژه قوجان، از ریشه کوشان و کوجان، مسلماً ربطی به کاسی‌ها ندارد. اصطلاح کوچ و بلوچ



آزادی و دموکراسی در نیکاراگوئه

رژیم انقلابی نیکاراگوئه، با بهره گرفتن از همه نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی، بازاریابی اقتصاد ویران کشور را با سرعت آغاز کرده است. دولت همچنین اعلام کرده است که در نظر دارد کلیه محدودیت‌های رسانه‌های گروهی را لغو کند و همه روزنامه‌ها و ایستگاه‌های رادیو تلویزیون می‌توانند آزادانه فعالیت کنند. یک مقام دولتی اعلام کرده است که در بازاریابی کشور، آزادی کامل مطبوعات نیز رعایت خواهد شد. دولت انقلابی دریی سرنگون شدن رژیم سرسپرده سوموزا، مدت سی روز محدودیت‌هایی برای مطبوعات وضع کرده بود.

کشف توطئه علیه افغانستان

یک مقام برجسته سفارت پاکستان در کابل، توطئه‌های ارتجاع و امپریالیسم را علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان افشا کرده است. این مقام که از افغانستان تقاضای پناهندگی سیاسی کرده، گفته است که در واقع عضو سازمان جاسوسی پاکستان است و از اکتبر سال گذشته، که مأمور خدمت در سفارت پاکستان در کابل شده، پنج ضد انقلابی و خائن افغانی را با دادن رشوه اجیر کرده است.

دیپلمات پاکستانی گفته است که چند تن دیگر از اعضای سفارت پاکستان در کابل نیز جاسوس هستند. در این میان، به حمایت از حکومت انقلابی افغانستان، تظاهرات گسترده‌ای در سراسر کشور برپا شد و در این تظاهرات کارگران، دهقانان و بطور کلی همه زحمتکشان و روشنفکرانی که در خدمت خلق هستند، توطئه‌های ارتجاع و امپریالیسم و رهبران مائوئیست چین را محکوم کردند.

حقوق بشر از نوع انگلیسی

یک گزارش خبرگزاری‌ها، در روزهای اخیر ایرلند شمالی در اعتراض به اشغال این سرزمین بوسیله ارتش انگلستان، صحنه آشوب‌ها و تظاهرات گسترده‌ای بود.

در ارتباط با این حوادث، یک خبرنگار خارجی اعلام کرد که در ایرلند شمالی شاهد خشونت سربازان انگلیسی نسبت به جوانان بوده است. این خبرنگار مافزاید که در یک سربازخانه، سربازان انگلیسی یک نوجوان ۱۵ ساله را زیر ضربات مشت و لگد گرفته بودند.

عده‌ای از اهالی بلغاست گفته‌اند که نیروهای اشغالی انگلستان، کاملاً حقوق شهروندان ایرلندی را نادیده میگیرند.

آماده کردن ژاندارم تازه

آمریکا، رژیم‌سادات را برای ایفای نقش ژاندارم امپریالیسم درخاورمیانه و آفریقا آماده میکند.

معاون وزارت دفاع آمریکا، در قاهره با رهبران مصر درباره کمک نظامی و اشنگتن به رژیم سادات، مذاکرات مفصلی انجام داد. آمریکا قرار است تعداد زیادی چنکده مدرن و نفر بر زرهی به مصر بفرشد. مقامات آمریکایی بصراحت اعتراف کرده‌اند که هدف از این کمکها تقویت ارتش مصر در برابر اسرائیل نیست، بلکه آمریکا میخواهد ارتش سادات در آفریقا و در برابر بیلی تقویت شود.

غصب زمینهای اعراب بوسیله اسرائیل

غصب اراضی اعراب در سرزمینهای اشغالی، بوسیله مقامهای صهیونیست اسرائیل، اکنون به جریان عادی تبدیل شده است. بموجب یک قانون تازه، مقامهای اسرائیل قرار است ۱۰ هکتار دیگر از زمینهای اعراب را برای ایجاد سه پایگاه نظامی غصب کنند. بدین ترتیب ده‌هزار تن دیگر خانه و کاشانه خود را در این مناطق از دست میدهند. نماینده ناظر سازمان آزادیبخش فلسطین در سازمان ملل گفت که این قانون نمونه دیگری از سیاست نژادپرستی صهیونیستها و اربابان آمریکائی اسرائیل است و نشان میدهد که صهیونیسم تا چه حد یک ایدئولوژی شیطانی و نژادپرستانه است.

از سوی دیگر یاسر عرفات در پیامی برای لئونید برژنف اعلام کرد که اتحاد شوروی یار و متحد نیرومند فلسطینی‌ها و اعراب است و خلق فلسطین از حمایت قاطعانه اتحاد شوروی از مبارزه فلسطینی‌ها و اعراب علیه امپریالیسم و صهیونیسم سپاسگزاری میکند.

گسترش مبارزه میهن پرستان زیمبابوه

مبارزه سپاهان رودزیا علیه رژیم بوشالی استعف موزوروا گسترش یافته است. حکومت موزوروا اعلام کرده است که همه سپاهان ۱۶ تا ۶۰ ساله باید بخدمت زیر پرچم فراخوانده شوند. نژادپرستان رودزیا قصد دارند که بدین ترتیب در میان خلق زیمبابوه (رودزیا) شکاف ایجاد کنند. تصدیق حکومت سالیسبوری با مقاومت شدید سپاهان رودزیا شده است.

در این میان، رابرت موگابه، یکی از دو رهبر جنبه میهن پرستان زیمبابوه گفت که خلق زیمبابوه مصمم است تا آزادی و استقلال، به نبرد علیه رژیم مزدور موزوروا و اربابان امپریالیست آن ادامه دهد.

ضد انقلاب با دریافت مدارک عضو می پذیرد!

در جریان حوادث، این امر هر روز روشن تر میشود که ضد انقلاب، برای تحریک مردم علیه نیروهای مترقی و بویژه حمله به کمونیستها، گروه‌هایی را سازمان داده است. کارگری که با یکی از افراد این گروه‌ها برخورد کرده است، در نامه‌ای برای «مردم» نوشته است:

«روز بیست و ششم تیر وقتی از راه پیمائی وحدت بر میخاستم، در حوالی میدان فردوسی متوجه جوان روزنامه فروشی شدم، که مقداری روزنامه و دو کتاب از سازمان مجاهدین را در دست داشت. او کتابها را مرتباً پشت و رو میکرد و می گفت:

— پشت و رو کنیم، خیال نکنین ما مجاهدیم. به او نزدیک شدم و گفتم:

— چه عیبی دارد بفهمند تو مجاهدی؟ گفت:

— اینها خیانت کرده‌اند. گفتم:

— مجاهدین خیانت نکرده‌اند. اینها مسلمانند. صدها شهید داده‌اند. جوانک نگاه تهدید آمیزی به من کرد و گفت:

— اینها تازه به قول تو مسلمانند، وای به حال کمونیست‌ها. اینرا گفت و شروع کرد به فحش دادن به کمونیست‌ها. حدس زدم که او باید از فعالین گروه‌هایی باشد که به اجتماعات حمله میکنند. بهمین خاطر حرف‌های او را تأیید کردم تا به بیتم چه میگوید. در ادامه حرف‌هایمان، جوانک روزنامه فروش گفت:

— من جو شکارم. در ایران گاز کار میکنم. ماهی ۳ هزار تومان حقوق میگیرم. در دانشگاه پاسدار هستم، روزنامه هم میفروشم. ما با بروجه‌ها چندتا گروه داریم. اسم گروه ما «حجت» است.

پرسیدم: رئیس گروه کیه؟ اول من من کرد و بعد گفت:

— مجید، همونکه توی دانشگاه سخنرانی میکنه. خیلی ام خوب حرف مینه. اون تقریباً رئیس همه‌ماست. پرسیدم: چطور توی گروه رفتی؟ گفت:

— اسم نویسی کردم. یک عکس دادم، یک رونوشت، یک فتوکپی شناسنامه. پرسیدم: این مدارک را کجا بردی؟ گفت:

— روبروی دانشگاه، یک ساختمان هفت طبقه است بشماره ۱۷. پرسیدم: کار شما چیست؟ گفت:

— پدر کمونیست‌ها را در می‌آوریم. هر جا باشن جلوشونو میگیریم. نمی‌ذاریم یک قدم بردارن. پرسیدم: تا حالا چه کارها کردین؟ گفت:

— رفتیم جلوی دفتر توده‌ایها، نداشتیم راه پیمائی کنند. یک بار هم رفتیم ستاد فدائیان در خیابان میکده، با هواداران فدائیان دعوا کردیم.

در همین موقع جوان دیگری از راه رسید و با روزنامه فروش سلام علیک کرد و رفت. روزنامه فروش به من گفت:

— از بروجه‌هاست. پرسیدم: چند نفریدی؟ گفت: ۲۰۰-۳۰۰ نفری هستیم. بعضی از بروجه‌ها هم توی کمیته هستیم. حرف‌هایمان تمام شده بود. خدا حافظی کردم و از روزنامه فروش جدا شدم. در راه که می‌آمدم، با خودم فکر می‌کردم: آیا وقت آن تشنه که دولت جلوی فعالیت خرابکارانه و اخلاک‌گرا نه این گروه‌ها را بگیرد؟»

اخبار دهقانی

مشکلات و نیازهای قریه رامیشان

قریه رامیشان در ۵۰ کیلومتری همدان قرار دارد که تعداد ۱۹۰ خانوار در حدود ۱۷۵۰ نفر در آن زندگی میکنند. مردم این روستا از نظر کشاورزی وضع نابسامانی دارند. کمبود آب مشکل اولیه دهقانان این روستاست. جریانهای آب طبیعی قنات و رودخانه موجود بکلی خشک شده و اهالی مجبور شده‌اند با وجود وضع نابسامان مادی، مشترکاً، هر ۶ دهقان، یک موتور آب (حداکثر ۵ اینچ) تهیه و از این طریق کمبود آب را جبران کنند. درست بهمین دلیل دهقانان میتوانند حداکثر یک هکتار از زمینهای خود را کشت کنند. طبیعی است که کشت یک هکتار زمین، همراه با کمبود و گرانی وسایل کشاورزی، کفاف زندگی آنان را نمیکند و فقر آنان روز به روز روبه افزایش است.

زنان خانواده مجبور هستند، با وجود مشکلات و مسئولیتهای فراوان خانوادگی، برای تأمین حداقل زندگی خود فشار غیر قابل تحمیلی را بپذیرند و استراحت و خواب خود را به حداقل کاهش داده به قالی بافی بپردازند. در این شرایط که تعاونی روستائی میتواند کمک مؤثری برای بهبود وضع زندگی دهقانان روستا باشد، با همان ضوابط گذشته اداره میشود و وجود آن کوچکترین نقش مثبتی در زندگی روستائیان ندارد.

ضمناً در سال جاری بیشتر محصولات این روستا از قبیل یونجه، گندم، انگور، جو، باشیوع آفات و سرما از بین رفت. سال گذشته اهالی روستا، به علت نیاز شدید به راه روستائی، با جمع آوری میلیونی نزدیک به ۵۰۰۰۰ ریال از بودجه ناچیز خودشان، بدست خودشان راهی به طول ۵ کیلومتر به جاده اصلی کشیدند. این راه به علت بارندگی و خاکی بودن آن در حال نابودی است.

علاوه بر اینها اهالی این روستا از مشکلات عمومی دهات سراسر ایران نیز رنج میبرند. این مشکلات عبارتند از: عدم امکان استفاده از نیروی برق آب لوله کشی، فقدان حداقل امکانات بهداشتی و رفاهی و نبودن امکان تحصیل از سطح ابتدائی به بعد.

لازم به یاد آوری است که سال گذشته بودجه‌ای به مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال برای ساختمان بهداشتی به انجمن این روستا داده شد، که ساختمان آن هنوز ناتمام مانده است و بودجه آن معلوم نیست به چه مصرف رسیده است.

آب زراعتی را تأمین کنید

پمپهای کنار رودخانه کارون که اراضی دهقانان را مشروب میسازد، مدتی است از کار افتاده. تعدادی از مهندسين محل آمادگی خود را برای تعمیر این پمپها اعلام داشته‌اند. گفته شده بود که اگر این پمپها شروع بکار نکنند آنها را ملی خواهند کرد و لسی

علا در مورد ملی شدن پمپها اقدامی به عمل نیامده است. مردم میگویند جا دارد از امکانات انسانی موجود در شهر اهواز، یعنی مهندسين مجتمع فولاد اهواز، کوره‌های شهر یار سابق، که ملی شده، نورد اهواز، شرکت نفت اهواز، برای تعمیر این پمپها استفاده شود.

دزدی و فساد در میدان اسبدوانی فرح آباد ادامه دارد

آن به مکانی برای تفریحات سالم توده‌های مردم، اقدام لازم بعمل نیامده است.

شاه حسینی، مسئول تربیت بدنی ایران، ۳ نفر را بعنوان ناظر باین مجتمع اعزام نموده و اینان توانستند در حد توانائی خود از فساد و دزدی بکاهدند. اما بدلیل مدیریت ناصالح این مجتمع، که با همین شاهنده، پسر عباس شاهنده معروف است، دزدی و فساد از ریشه نابود نگشته و ادامه یافته است. در این زمینه حتی کوششهایی بعمل آمده تا با تطبیق پاسداران اعزامی بدانجا، از طریق دادن حقوقهای گزاف، سپری در مقابل اعمال خلاف کشیده شود و مرتکبین از مجازات مصون مانند.

مقامات مسئول موظفند که با پاسکاری دقیق مدیریت چنین مکانهایی، که سرمایه‌های عظیمی نیز صرف ایجاد آنها شده است، و قرار دادن افرادی دلسوز بر راس آنها، در شرایط کمبود شدید مکانهای ورزشی و تفریحی برای جوانان، ترتیبی دهند که امکانات موجود برای استفاده در اختیار مردم قرار گیرد.

از انتشارات

حزب توده ایران

منتشر شد:

۱- ترجمه جدید اثر لنین درباره فریدریش انگلس از محمد پور هرمان

۲- ماتریالیسم تاریخی

(کتاب دوم) تألیف امیر نیک آئین.

بزودی منتشر

میشود:

ماتریالیسم دیالکتیک

(کتاب اول) تألیف امیر نیک آئین.

از کمکهای رفقا و دوستان

سپاسگزاریم

یکی از هواداران (به رفیقی که در میدان تجریش اعلامیه پخش میکرد)

۱۰۰۰ ریال

ع. فرح ۵۰۰۰

از طرف شاگردان دبستان

خسروانی ۱۰۰۰ ریال

ایروان ۱۰۰۰۰

ا. انصاری ۲۰۰۰۰

م. امینی ۵۰۰۰

ف. م. علمداری ۵۰۰

گروه مشعل از همدان ۱۵۰۰۰

گروه دهقان از آبکنار ۲۵۵۰

گروه ن. ه. ۶۰۰۰

ب ۱۰۰۰

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی‌درنگ لغو شود

تکوین مبارزه علیه شرکت امپریالیستی نفت انگلیس

در ۱۹۰۱، دوران زبونی کامل دولت قاجار و آغاز تدارک انقلاب مشروطه ایران، امتیازات کشف و استخراج و بهره برداری و فروش مواد پدیدارگر بود در تمام وسعت ممالک ایران، برای مدت شصت سال به ویلیام داری، انگلیسی واگذار شد. براساس این امتیاز یک انحصار جهانی سرمایه داری پدید آمد که هم اکنون نیز از ارکان اصلی کارتل بین المللی نفت و یکی از قدرت های جهانی سرمایه داری است.

این امتیازنامه در مجلس های پس از مشروطه تصویب نشد و لذا بعنوان اینکه قبل از انقلاب و از طرف شاه خودکامه واگذار شد همواره می توانست زیر علامت سوال قرار گیرد. در ۱۹۳۳ (۱۳۱۲) رضاشاه این «نقش» را بر طرف کرد. امتیازنامه داری را با برخی تغییرات - که بسیاری از آنها بزبان ایران و به مراتب بدتر از امتیازنامه داری بود - به تصویب مجلس فرمایشی رسانید و برای تحمیل مردم ایران چراغانی برآم انداخت که گویا امتیازنامه استعماری داری را لغو کرده و داد مردم ایران را از شرکت نفت انگلیسی ستانده است.

در زمان رضا شاه، هنگامیکه این خیانت بمنافع ملی ایران انجام شد هیچ سازمان سیاسی و با شخصیت ملی نبود که علیه آن اعتراض کند. فقط کمونیست های ایران بودند که با شرکت استعماری انگلیسی مبارزه میکردند و ماهیت آنرا ب مردم ایران میشناسانیدند. تا سوم شهریور ۱۳۲۰ غیر از حزب کمونیست ایران هیچ حزب و سازمان دیگری حتی یک سطر هم در افشاء این شرکت ننوشت و یک گام هم علیه آن برنداشت. تنها حزب کمونیست ایران بود که با تکیه به تئوری لنینی امپریالیسم، ماهیت شرکت نفت انگلیسی را شناخت و ب مردم توضیح داد. و فقط این حزب بود که در مناطق نفت خیز به کار سازماندهی پرداخت و کارگران نفت را متشکل کرد و در ۱۳۰۸ نخستین اعتصاب بزرگ کارگری را که خصلت ضد امپریالیستی داشت در صنایع نفت جنوب سازمان داد.

با توجه به گسترش فعالیت ضد امپریالیستی و ملی حزب کمونیست ایران بود که رضاشاه بنا به توصیه انتلیجنت سرویس انگلیس درست در موقع تدارک قرارداد خائسانه ۱۹۳۳، هجوم وسیع ضد کمونیستی را آغاز کرد و در ۱۳۱۰ - دهه قلم در همان سال که امضاء قرارداد ۱۹۳۳ تدارک میشد - قانون سیاه ضد کمونیستی را به تصویب رسانید (همان قانونی که در روزهای پس از انقلاب هنوز هم برخی ها مدعی بودند که تا لغو نشده بقوت خود باقی است) این قانون ضد کمونیستی مستقیماً با امتیاز ۱۹۳۳ مربوط است و هر دو با یک مرگ نوشته شده اند.

در سوم شهریور ۱۳۲۰ با ورود، قوای متفقین به ایران رژیم رضاخانی یکشنبه فرو ریخت، مردم با بسیاری حقایق تلخ دوران رضاشاهی آشنا شدند و از جمله دریافته اند که قرارداد ۱۹۳۳ - که برای آن چراغانی مفصلی هم شده بود - قرارداد خائنانه ای است. کینه و نفرت علیه شرکت نفت انگلیسی رفته رفته اوج گرفت. در کار روشنگری مردم و افشاء استعمار انگلیسی نقش اصلی را حزب توده ایران بعهده داشت.

در نیمه جنگ دوم جهانی، از اینکه استعمارگران انگلیسی احساس کردند که پیروزی متفقین بر ماشین جنگی هیتلری محتمل و نزدیک است، نقشه تشکیل امپراطوری نوین بریتانیایی را کشیدند که مرکز آن میبایست در خلیج فارس باشد و مرکز نقل آنرا نفت خلیج و قدرت شرکت انگلیسی نفت (بریتش پترولیوم) تشکیل دهد. ظواهر امر بسود آنها بود، در عراق، سواحل عربی خلیج فارس، عدن، یمن، مصر، اردن و فلسطین تسلط بلامنازع داشتند. نفت ایران بطور کامل در دست آنها بود و دربار و دولت ایران را زیر نفوذ داشتند. ترکیه، منطقه نفوذ آنان بحساب می آمد، سوریه و لبنان را میتوانستند به چنگ آورند.

اما همه این حسابها فقط در روی کاغذ و یا دقیقتر بگوئیم برای مدت کوتاه درست بود. استعمارگران انگلیسی تحولی را که در جهان بوقوع می پیوست درک نمیکردند. کهنه اندیشی آنان شکست آور بود. در مورد ایران این کهنه اندیشی را میتوان از اینجا دریافت که آنان رشد جنبش ملی ضد انگلیسی - ضد شرکت سابق نفت - مردم ایران را که روزافزون بود نمی دید، رقیب پر قدرتی مانند امپریالیسم آمریکا را درست ارزیابی نمیکردند و امیدوار بودند که بر همه نیروهای مخالف چیره خواهند شد.

بسیاری از ممالک نفوذال ایران و اشراف روشنفکر پیوندهای عمیقی با استعمار انگلیس داشتند. ایشان که در دوره رضاشاهی الزاماً به لانه خنیده و فقط بد ریافت سهم خود از غارت رعا یا اکتفا کرده بودند پس از سوم شهریور از لانهها بیرون آمدند و کرسیهای مجلس و دولت را اشغال کردند. حضور این دوله ها و مله ها و مملکت ها در صحنه سیاست سبب دلگرمی استعمار انگلیس بود. آنها برای تقویت این جبهه سید ضیاءالدین طباطبائی را از فلسطین آوردند و او با این «بشارت» یا به خاک وطن گذاشت که از «عصمانت ملی» مردم ایران حمایت خواهد کرد. این «عصمانت» از کلاه پوستی بجای «کلاه لکنی» (اصطلاحات خود سید) شروع میشد و به خط نستعلیق و جای نمنا بجای چسای معمولی پایان می یافت. بازگشتی بود بطواهر رسوم کهنه و کهنه رستی با مضمون استعماری.

مهمترین نیروی که پس از شهریور علیه استعمار انگلیس قد علم کرد و توطئه های آنرا نقش بر آب ساخت حزب توده ایران بود.

در این مبارزه - برخلاف مبارزه حزب کمونیست ایران علیه شرکت نفت انگلیس - حزب ما تنها نبود. برخی از رجال و شخصیت های سیاسی و برخی سازمانها نیز در مبارزه علیه استعمار انگلیس با حزب ما همصدا شدند که از آن جمله است دکتر محمد مصدق و حزب ایران، ولی، هر صورت سنگینی اصلی مبارزه با استعمار انگلیس و شرکت سابق نفت در این سالها بدوش حزب توده ایران افتاد که آنرا با صداقت و افتخار پیش برد.

مهمترین پیامد سوم شهریور و فروپاشی دیکتاتور رضای خانی بیداری توده مردم و شکل و حرکت طبقاتی و ملی - ضد امپریالیستی بود. نخستین ماههای پس از شهریور هنوز توده ها متشکل نشده و به حرکت در نیامده بودند

بسیاری از روشنفکران نیز هنوز در زیر نفوذ اندیشه های فاشیستی و ضد کمونیستی بودند. ولی فعالیت پرثمر حزب توده ایران و انتخاب شعارهای درست از جانب این حزب و فداکاری و از جان گذشتگی مبارزین حزبی سدها را شکست، بطوریکه هنوز سه سال از تشکیل حزب ما نگذشته بود که موج عظیم توده های بسیاری از مناطق ایران را فراگرفت. جنبش عظیم دهقانی مسئله نابودی فئودالیسم و جنبش عظیم کارگری ضرورت نوسازی نظام اقتصادی کشور را مطرح ساخت زیر رهبری حزب توده ایران جنبش توده ها سمت آشکار ضد استعماری و از جمله ضد انگلیسی بخود گرفت.

حزب توده ایران موفق شد توطئه استعمار انگلیس را که با علم کردن سیدضیاء قصد فریب توده ها و تحکیم مواضع شرکت سابق نفت را داشت بشکند. عمده ترین، پیگیرترین و آگاهترین نیروی ضد سیدضیاء - یعنی ضد انگلیسی - در آن سالها حزب توده ایران بود که از این نبرد پیروز و سربلند بیرون آمد.

حزب توده ایران از نخستین روزهای تشکیل خود متوجه اهمیت نفت ایران بود که از جانب شرکت استعماری انگلیسی غارت میشد. حزب توجه داشت که در صنایع نفت جنوب بزرگترین گردان پرولتاریای ایران متشکل شده است. لذا از همان نخستین روزهای مبارزه به متشکل ساختن کارگران نفت پرداخت. این کار ابتدا در شرایط بسیار دشوار و پنهانی انجام میگرفت، زیرا انگلستان منطقه نفت خیز جنوب را زیر سلطه خود میدانست و با هر نوع فعالیت سیاسی و صنفی در میان کارگران نفت بشدت مخالفت مینمود. با اینحال، حتی در سخت ترین شرایط دوران جنگ که مناطق نفتی زیر اشغال نیروهای انگلیسی و تحت کنترل کامل انتلیجنت سرویس بود، حزب ما در میان کارگران نفت کار کرد و سازمانهای پنهانی خود را بسوجود آورد و شرایطی ایجاد کرد که بلافاصله پس از شکست آلمان هیتلری و با وجود اینکه مناطق جنوب ایران زیر کنترل عشاری مسلح، تحت رهبری روسای شرکت نفت بود، بزرگترین اعتصاب کارگران نفت انجام شد. این اعتصاب بزرگ که در ۲۳ تیر ماه ۱۳۲۵ توسط نیروهای عشاری و باش مسلح و زیر فشار نیروهای نظامی دولتی و قوای نظامی انگلیس بخون کشیده شد بزرگترین ضربتی بود که آن زمان به شرکت سابق نفت وارد آمد. بر اثر این اعتصاب خونین مسئله شرکت نفت و ضرورت طرد آن در سرتاسر ایران مطرح شد. جنایاتی که این انحصار امپریالیستی در حق مردم ایران و بویژه کارگران نفت مرتکب میشد در مقیاس کشور افشاء گشت.

میتوان گفت که نطفه جنبش مردم ایران علیه شرکت استعماری نفت در این اعتصاب بسته شد.

در صف آرائی سیاسی سالهای پس از سوم شهریور که پس از چندی در جنبش ملی شدن نفت شکل گرفت، امپریالیسم آمریکا جای ویژه ای دارد. چنانکه میدانیم امپریالیسم آمریکا در سالهای قبل از سوم شهریور در ایران نفوذ زیادی نداشت. مدت قریب چهار سال ۱۹۳۵ - ۱۹۳۹ روبا ایران با آمریکا قطع بود که صرف نظر از بهانه تراشیهای دیپلماتیک، این قطع رابطه معنای عمیق سیاسی داشت.

وقتی حکومت رضا خانی یکشنبه فرو ریخت، بخشی از گردانندگان دربار پهلوی که امید فراوان به آلمان هیتلری داشتند، مدتی با این امید مجبور میزیستند که پیروزی از آن هیتلر خواهد بود. اما جریان جنگ در جبهه شوروی و بویژه شکست ارتش آلمان در استالینگراد ضربت روحی سنگینی به آنان وارد آورد که حاصل آن دو گانه بود، ۱ - وحشت ۲ - نیاز به تکیه گاه جدید. آنان این تکیه گاه را در وجود امپریالیسم تازه نفس و درنده آمریکا پیدا کردند. در مدت کوتاهی قراردادهای اقتصادی - نظامی بین ایران و آمریکا منعقد شد و ارتش و زانساند امری و امور مالی و اقتصادی ایران زیر سلطه مستشاران آمریکائی درآمد. از این زمان بود که شوازه تسکفها در ایران لانه کردند و توانستند کودتای ۲۸ مرداد را تدارک و رهبری کنند.

علاوه بر بخشی از محافظ درباری و فئودالهای ایران، بخش قابل ملاحظه ای از محافظ بورژوازی و روشنفکران بورژوا نیز بسوی آمریکا کشیده شدند. اینها در گذشته نزدیک زیر نفوذ افکار فاشیستی بوده و شونیم تژاد پرستانه ضد کمونیستی را بجای ناسیونالیسم ضد امپریالیستی پذیرفته بودند و با این معنا عناصر ملی بحساب می آیند. وقتی فاشیسم رسوا شده و هیتلر از تخت قدرت بزرگ کشیده شد، برخی از محافظ روشنفکری هوادار فاشیسم به واقعیت گردن نهادند، در عقاید خود بسود توده مردم تجدید نظر کرده در ستکسر نبرد ضد امپریالیستی قرار گرفتند و بمعنای واقعی ملی شدند. ولی بسیاری از آنان در موضع طبقات بورژوازی ضد کمونیستی باقی ماندند و

بجای آلمان، اینک به آمریکا دل بستند و هر چه جنبش انقلابی ملی و دمکراتیک ایران بیشتر اوج گرفت بیشتر بوحشت افتاده، بیشتر زیر دامن آمریکا پنهان شدند.

مرجسته ترین نمایندگان این قشر از محافظ روشنفکری و بورژوازی مظفر بقائی، حسین مکی، سر لشکر زاهدی است که بعدها در جنبش ملی شدن نفت نقش خائنانه ای ایفا کردند.

سر لشکر زاهدی از کسانی بود که در زمان رضاشاه با جاسوسان هیتلری کار میکرد و زمان جنگ بجرم جاسوسی برای آلمانها دستگیر و مدتی توقیف شد اما بعدها به سازمانهای جاسوسی آمریکا منتقل شده و از زندان آزاد شد و در ارتش پست حساسی گرفت.

امثال مکی و بقائی - در آن سالها اینگونه افراد زیاد بودند. آشکارا بسود امپریالیسم آمریکا تبلیغ میکردند و نجات ایران را موکول بدخالت آمریکا میدانستند. تئوری این حضرات عبارت از آن بود که ایران زیر فشار دینوری شمال و جنوب خفه میشود و فقط دست امریکاست که میتواند آنرا نجات بخشد. حسین مکی در مقدمه ای که بر کتاب دیکتاتور ۲۰ ساله رضاخانی نوشته باجمالاتی که شایسته هیچ عنصر ایرانی نیست تاکید میکند که از زمانیکه آمریکا دست از دکتربین موزو برداشته، از افراد بیرون آمده و نقش جهانی بعهده گرفته در قلب همه «دملیون» ایران نور امید افروخته و اینک همه چشم به این قیله آمال دارند.

دفاع از امپریالیسم آمریکا از طرف کسانی که خود را ملی معرفی میکردند در این سالها بحدی عادی بود که در سال ۱۳۲۴ درست در زمانیکه مردم ایران خواستار طرد مستشاران آمریکائی از ایران بودند حزب ایران بدفاع از آنان برخاست و روزنامه جبهه ارگان مرکزی حزب ایران نوشت که این حزب اصولاً با حضور مستشار خارجی در ایران مخالف است ولی در این مورد خاص مایل نیست که دولت آمریکا را برنجاند و ایران را از آنها دوست خود محروم سازند.

در ۱۳۲۵ در اوج نهضت دمکراتیک مردم ایران صف آرائی طبقاتی آشکارتر و مشخص تر شد. امپریالیست های آمریکائی و انگلیسی، در بار پهلوی، فئودالها و ملاکین و بخشی قابل ملاحظه ای از بورژوازی ایران جبهه واحدی علیه مردم ایران تشکیل دادند. در تیرماه ۱۳۲۵ «حزب دمکراتیک ایران» بر رهبری قوام السلطنه تشکیل شد که تجلی این جبهه ضد ملی و ضد دمکراتیک بود. همه نیروهای ارتجاعی و همه محافظ سازشکار بورژوازی و روشنفکران وابسته به این قشرها که از گسترش نهضت انقلابی بوحشت افتاده بودند در این حزب گرد آمدند. نکته ای که برای بحث آتی ما اهمیت دارد اینست که بخش قابل ملاحظه ای از کسانی که قبل از گسترش نهضت انقلابی خود را دمکرات و ملی معرفی میکردند به حزب قوام پیوستند. از آن جمله اند اکثریت کسانی که سه سال بعد در سال ۱۳۲۸ جبهه ملی ایران را تأسیس کردند.

در آن زمان حزب ایران بعنوان نماینده روشنفکران و اقوام ملی با حزب توده ایران ائتلاف کرد و با آنکه پس از تشکیل حزب دمکرات قوام السلطنه دچار نوسانهائی شد بهر صورت اکثریت آن با حزب توده ایران باقی ماند. اخیراً آقای دکتر سنجابی ضمن توضیح سیاست آنروز رهبران حزب ایران ادعا کرده است که همکاری آن رهبران با حزب توده ایران و حزب دمکرات آذربایجان از ته دل نبوده و طبق نقشه بوده است. ایشان در مصاحبه ای که پائین ۱۳۵۷ با روزنامه «ایران پست» چاپ لندن بعمل آورد یادآوری کرد که در آن زمان از طرف قوام السلطنه مأموریت داشته است. ما نمیدانیم بکدام گفتار و کدام کردار آقای سنجابی بیشتر میتوان باور کرد - آنچه آن سالها میگفتند یا آنچه امروز میگویند ولی یک نکته روشن است و آن اینکه علی رغم توده اصلی اعضای حزب ایران برخی از رهبران این حزب گرایشهایی بسوی سازش با آمریکا داشته اند که در سالهای بعد بیشتر تقویت شده است.

باری، محافظ امپریالیستی و متحدین ایرانی آنها با ایجاد جبهه واحد ضد دمکراتیک و ضد ملی، زیر نام «نجات مین» موضوع اساسی طرد شرکت استعماری نفت را برای مدت کوتاهی اذستور خارج کردند.

تضاد انحصارات امپریالیستی نفت البته از میان نرفت ولی آنان کوشیدند از طرق غیر مستقیم از قبیل وادار کردن شرکت انگلیسی نفت به فروش الزامی بخش قابل ملاحظه ای از نفت ایران به انحصارات آمریکائی - اختلافات خود را موقتاً حل کنند.

اما پس از شکست نهضت آذربایجان و پیروزی موقت ارتجاع و امپریالیسم در ایران، اتحاد نیروهای ارتجاعی و سازشکار از هم پاشید. دعوا بر سر تقسیم غنائم آغاز شد و آرایش نوین سیاسی پدید آمد.

تضاد در بالا امکان داد که جنبش مردم نیز علی رغم سرکوب شدن از نوجوان بگیرد. زحمات حزب توده ایران هدر نرفت. شعارهای حزب که در میان توده مردم ریشه کرده بود از نو جوانه زد. مردم ایران دیگر دریافته بودند که جامعه نیازمند تحول است. باید دست اجانب را از کشور کوتاه کرد. چشمها خواه ناخواه بسوی جنوب، آنجا که غارتگران انگلیسی با شقاوت غیر قابل وصفی منابع ملی ما را غارت میکردند متوجه میشد.

این موج توده ای بحدی قوی بود که حتی هیئت حاکمه درباری و محافظ متحد امپریالیسم انگلیس هم نمیتوانستند درک نکنند که در مناسبات شرکت نفت انگلیس با ایران باید تغییری حاصل شود و لااقل سهم بیشتری از درآمد شرکت بدولت ایران تعلق گیرد تا بتوانند بنوعی مردم را راضی کنند.

در چنین شرایطی موافقتنامه همکاری ایران و شوروی برای تشکیل شرکت مختلط بهره برداری از نفت شمال به مجلس پانزدهم داده شد. این موافقتنامه اگر به تصویب میرسد تمام نظام غارتگرانه کارتل بین المللی نفت را در خلیج فارس بهم میریخت. طبیعی است که مجلس مرکب از عمال ارتجاع و امپریالیسم نمیتوانست آنرا تصویب کند. ولی در عین حال ضمن رد این موافقتنامه بهیچ روی

جنبش کشورهای غیر متعهد عامل مؤثری است در مبارزه علیه امپریالیسم

نخواهیم بود.

سیاست خارجی اکثریت کشورهای غیر متعهد و اسناد و مدارک کنفرانسهای جنبش این کشورها از نمودارهای روشن آنست که این کشورها مبارزه علیه سیاست نو استعماری امپریالیسم را در زمینه استحکام مبانی استقلال سیاسی و اقتصادی کشور خویش، از وظایف خود میدانند.

در قلمنامه‌های مصوب در کنفرانسهای کشورهای غیر متعهد، مبارزه در راه صلح، علیه امپریالیسم، نو استعمار، نژادپرستی و صهیونیسم و پشتیبانی از جنبش‌های رهایی بخش ملی از وظایف کشورهای عضو این جنبش شناخته شده است.

رئیس هیئت نمایندگان کوبا، که بمنظور دعوت رسمی ایران برای شرکت در کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد، که شهریورماه در هاوانا پایتخت کوبا تشکیل خواهد شد، به تهران آمده بود، در ملاقات و گفتگو با آیت‌الله طالقانی وزیر امور خارجه ایران اظهار داشت که کوبا عضو فعال جنبش کشورهای غیر متعهد است و از اصول بنیانی این جنبش دفاع و پشتیبانی میکند. کوبا مخالف امپریالیسم، صهیونیسم، استعمار، نژادپرستی و طرفدار مبارزه برحق اعراب است. کوبا مخالف معاهده کمپ‌دیوید بین امریکا و اسرائیل است و آنرا دشنه‌ای میدانند که از پشت بر خلق عرب فلسطین زده شده است.

رئیس هیئت نمایندگی کوبا خاطر نشان نمود که یکی از اهداف اصلی ما در این کنفرانس محکوم کردن همین اقدامات است و اضافه نمود که ما از مواضع ایران در این کنفرانس دفاع میکنیم و شرکت ایران در این کنفرانس را یک رویداد تاریخی میدانیم، زیرا صدای مردم ایران، یعنی صدای نمایندگان قانونی ایران، در این کنفرانس شنیده خواهد شد.

آیت‌الله طالقانی در این ملاقات اظهار داشت که تکرانی ما بر بوط به عقده‌های چرکینی است که امپریالیسم بنام اسرائیل، صهیونیسم و افریقای جنوبی در مناطق حساس جهان مستقر کرده است.

ما امیدواریم که کشورهای غیر متعهد همه سعی خود را بکار برند تا این برجهای مراقبت، که منشاء درگیریها و جنگها هستند، از بین برده شوند.

پیوستن ایران به جنبش کشورهای غیر متعهد از اقدامات مثبت و سودمندی است که از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه مبارزه بر ضد امپریالیسم و پشتیبانی از جنبش‌های رهایی بخش ملی خلقها بعمل می‌آید. این اقدام از ماهیت و اهداف عمده انقلاب شکره‌مند مردم ما، یعنی هدف مبارزه ضد امپریالیسم نشأت میگردد. شرکت فعال ایران در جنبش کشورهای غیر متعهد به ریشه‌کن کردن همه نهادها و وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی به امپریالیسم امریکا مساعدت میکند و حیثیت و منزلت سزوار ایران را در عرصه جهانی بالا میبرد.

پس از تلاشی سیستم‌ستمراتی امپریالیسم و رهایی یک سلسله از کشورهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین از بندهای اسارت استعماری، که نتیجه مستقیم تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی بفتح نیروهای صلح و ترقی اجتماعی بود، دول امپریالیستی، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، بخاطر حفظ مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی خود در کشورهای از بند رسته، شیوه‌های نو استعماری را بکار گرفتند. برنامه‌های کمک اقتصادی، سرهم‌بندی بلوکهای نظامی، اعراب و تهدید و در موارد لازم کودتاها و تحمیل رژیمهای نظامی و پلیسی در کشورهای نو استقلال، فهرست کوتاهی است از سیاست نو استعماری امپریالیسم. امتناع اکثریت کشورهای خاور نزدیک و میانه از شرکت در پیمان سنتو (در آلمان بغداد) و کشورهای جنوب خاوری آسیا در پیمان نظامی سه‌آنو، که دو سال پیش منحل گردید، نخستین واکنشی بود که کشورهای نو استقلال در برابر نقشه‌های سیاست نو استعماری امپریالیسم از خود نشان دادند و این واکنش و اقدام عملی این کشورها در جهت اتخاذ سیاست عدم شرکت در پیمانهای نظامی امپریالیستی، خود یک تجلی از سیاست «عدم تعهد» بود.

بدین ترتیب کشورهای نو استقلال سیاست «عدم تعهد» را بمثابه وسیله‌ای برای دفاع در برابر تحریکات و دسائیس امپریالیستی برگزیدند و این جریان هم‌روند با پیشرفت مبارزات ضد امپریالیستی و پیروزیهای خلقها در این مبارزه، بصورت جنبش کشورهای غیر متعهد شکل گرفت. بهمین علت این جنبش از همان آغاز پیدایش، بر حسب سرشت خود دارای جنبه ضد امپریالیستی بود و این امر کاملاً طبیعی و قانونمند است، زیرا ملل کشورهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین، در نتیجه سالیان دراز پیکارهای قهرمانانه و پیگیر علیه استعمارگران امپریالیستی، توفیق یافتند استقلال ملی خود را بدست آورند و اکنون میکوشند با مبارزه متحد، توطئه‌ها و نقشه‌های نو استعماری امپریالیسم را، که برای اسارت مجدد آنها اعمال میشود، عقیم گذارند.

ایندویرا گاندی، نخست‌وزیر پیشین هند، در تشریح سیاست خارجی هند خاطر نشان کرده که سیاست غیر متعهد دولت هند بر بنیاد مبارزه خلقها علیه استعمار و امپریالیسم پدید آمده و شکل گرفته است.

جوهر لعل نهر و نخست‌وزیر فقید هند، که یکی از بنیادگذاران جنبش کشورهای غیر متعهد بشمار می‌آید، در سال ۱۹۴۶ درباره برنامه آینده سیاست خارجی مستقل هند تأکید نموده است که:

«ما به آزادی ملل کشورهای مستعمره و وابسته و شناسایی برابری حقوق همه خلقها و نژادها علاقمند هستیم. سیاست خارجی ما که مبتنی بر عدم تعهد است، با بیطرفی غیر فعال هیچگونه وجه مشترکی ندارد، بلکه بعکس، در هر جا که آزادی و عدالت در معرض خطر قرار گیرد و در هر جا که تجاوز اعمال شود، ما نمیتوانیم بیطرف باشیم و بیطرف

آن گلی که در بهار خون...

شب، درون کوره شفق
رها شده
سرخ لاله بهار صبح
را شده
هر چه ام به چشم،
جا گرفته در بلند جامعه سحر
از بلند قله‌های صبح تابناک
بر گشاده آفتاب تازه
بال و پیرا
عطر شوق می‌پراکند
نعمین گرم
عطر مهر می‌پراکند
بهار شهر.

با تمام این
در شکفتن از فریو باد،
در شکفتن از تهبب شب،
باد،
شبهه میکشد مدام!
شب،
حمله میبرد

هنوز!

تا کند خراب
آنچه هست!

آه همسفر!
در بهار باغبان هنوز
بیم ریزش شکوفه‌هاست!
غفلتی نباید این زمان
غفلتی که
مهدد

آن گلی که
در بهار خون

آن گلی که
در بهار خون

آمده بدست!

بوزین آذر مهر
۲ مرداد ۱۳۵۸

در برقراری روابط دیپلماتیک با دولتهای ضد امپریالیستی

نباید تأخیر شود

سرانجام پس از ماهها که از پیروزی انقلاب در ایران میگذرد، وزارت خارجه ایران تصمیم گرفته است که اقداماتی عملی در جهت برقراری ارتباط دیپلماتیک با کشورهای لیبرال بعمل آورد. وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام داشته است که بر اثر تماسهای برادرانه مستمر مقامات دولت موقت جمهوری اسلامی ایران با برادران و همکاران لیبرالی، قرار شده است که بدعوت دولت لیبرال، هیاتی از جانب وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در آینده نزدیک به لیبرال برود تا با مقامهای آن کشور پیرامون استقرار مناسب دیپلماتیک گفتگو کند.

واقعیت اینست که نه تنها تلاش برای استقرار روابط دیپلماتیک با کشور لیبرال، بلکه تلاش در زمینه دیگر گونی روابط خارجی ایران با کشورهای دیگر لاک پشتی صورت گرفته است و با روح انقلاب ایران هماهنگ نیست. مردم ایران بحق انتظار دارند که پس از پیروزی انقلاب، همچنان که تمام مناسبات رژیم سرنگون شده، در داخل کشور دگرگون شود، روابط خارجی ایران نیز دگرگون شود و بلافاصله ارتباط دولت انقلابی ایران با دولتها و کشورهای دیگر برقرار شود. رژیم مخلوع بدلیل مخالفت بین آنها با

سیاستهای ضد انسانی اش در داخل ایران، روابط خود را با آنها قطع کرده بود. استقرار این مناسبات با کوبا اگر چه با تأخیر، ولی بهر حال خوشبختانه در کار انجام شدن است. ولی در مورد لیبرال و یمن دمکراتیک هنوز تامل ادامه دارد.

در باره تأخیر بناحق در برقراری ارتباط دیپلماتیک و برادرانه با کشورهای امپریالیستی لیبرال، این نکته بر همگان بجز عناصری که با بهانه‌های گوناگون سعی دارند از ارتباط برادرانه و انقلابی دو کشور جلوگیری کنند و پیای با سخنرانی‌ها و پیامها و تظاهرات سعی دارند مانع این ارتباط شوند. معلوم است که خلق لیبرال در سالهای سیاهی که پشت سر گذاشته‌ایم، همواره پشتیبان خلق ایران در مبارزه‌اش با رژیم شاه مخلوع بوده و بهمین دلیل همیشه مورد نفرت دربار پهلوی بوده است. لیبرال انقلابی اکنون جزء کشورهای مقدم در مبارزه و نبرد با امپریالیسم امریکا و صهیونیسم است و آنها که تلاش میکنند روابط دو کشور را در حد اقل محدود نگاهدارند، بخوبی میدانند که دوستی و برادری بین ایران و لیبرال به نفعی آنها در برابر خصم مشترک دو کشور، یعنی امپریالیسم و صهیونیسم میافزاید.

تظاهرات حیرت انگیز در ارومیه

حیرت انگیزترین تظاهرات اخیر ایران، چند روز قبل در ارومیه برپا شد. هدف از این تظاهرات اعتراض به اعدام یکی از افسران ارتش به حکم دادگاه انقلاب اسلامی محل بود. نخستین گزارشها حاکیست که در این تظاهرات جریان محاکمه این افسران تشویق و از اعلام و اجرای حکم اعدام وی سازمان داده شده بود و هدف از آن تحت تأثیر قرار دادن دادگاه و جلوگیری از اجرای عدالت بود. این تظاهرات، آنچنان که گزارشهای رسیده حکایت دارد، با کمک عناصری از ضد اطلاعات «اداره مشاوره و ارشاد» نیروهای مستقر در محل سازمان داده شده بود و مردم برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب، شاهد تظاهراتی بودند که جمیع زیاده نظامی منطقه در آن شرکت داشتند و سرانجام کارشمارها به «جاویدشاه» کشید. مردم منتظرند تا تمام جزئیات مربوط به ماجرا پس از تحقیقات کافی اعلام شود. اما آنچه مسلم است سریعتر خواهد برید!

ریگای کوردستان (راه کردستان)

بزودی منتشر میشود

در انگلستان
کمک مالی به حزب را
میتوان بوسیله آدرس زیرین ارسال داشت:
P. O. Box 141
London, E7 OPE

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق